

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابہ فضائی ۱۳۵۰

میثاق طلبگی

دفتر سوم: آشنایی با نظام تعلیم و
تربیت حوزه های علمیه

ویراست جدید

علی اصغر همتیان

سرشناسه: همتیان، علی اصغر، ۱۳۵۰.
عنوان: میثاق طلبگی، دفتر سوم، آشنایی با نظام تعلیم و تربیت حوزه های علمیه.
تکرار و نام پدیدآور: مؤلف علی اصغر همتیان؛ به سفارش و نظارت مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه
مشخصات نشر: قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۸۷ ص.
شابک: ۱- ۴۴- ۷۵۵۰- ۶۰۰- ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص ۸۶-۸۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع: حوزه های علمیه - ایران.
موضوع: حوزه های علمیه - برنامه های درسی.
موضوع: تدریس حوزوی.
موضوع: راه و رسم زندگی.
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت حوزه های علمیه.
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم - مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۹م ۷/هـ/ BP ۷
رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۰۷
شماره کتاب شناسی ملی: ۴۳۷۶۳۴۴

میثاق طلبگی

دفتر سوم: آشنایی با نظام تعلیم و تربیت حوزه های علمیه

به سفارش و نظارت:

مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مؤلف: علی اصغر همتیان

ناشر: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

نوبت چاپ: چهارم / تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت:

شابک: ۱- ۴۴- ۷۵۵۰- ۶۰۰- ۹۷۸

* تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه محفوظ است *



نشانی: قم، انتهای بلوار پیامبر اعظم (ج.م.ک)، مجتمع دارالولایه،

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

www.tahzib-howzeh.ir

مراکز پخش:

قم، خیابان روح الله، روبه روی مجتمع ناشران، نمایشگاه کتاب حوزه های علمیه

۰۲۵-۳۷۷۳۵۵۴۷

قم، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه

۰۲۵-۳۷۷۴۸۳۸۳



آمده ام تا تو برویانی ام
گمشده این شب ظلمانی ام
شریت پرواز بنوشانی ام
چله نشین شب طوفانی ام
آمده ام تا که به خود خوانی ام
در عطش عشق بسوزانی ام
عاشق یک جرعه روحانی ام
دیر زمانی است که بارانی ام

دیر زمانی است که بارانی ام
آمده ام خسته و چشم انتظار
آمده ام تا تورهایم کنی
آمده ام با عطشی آتشین
آمده ام چشم به راهت نهم
آمدم ای فجر سپید امید
تشنه ام ای دوست صدایم بزن
باز هوای غزلم ابری است





من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیراز همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علماء و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است از زئی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتراز توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست.



مسأله دکتری افتخاری؛ خوب، البته این یک افتخار است که این دانشگاه این اظهار محبت را به ما بکند؛ لیکن من اهل دکتری نیستم؛ همان طلبگی ما کافی است. اگر بتوانیم به میثاق طلبگی متعهد و پایبند بمانیم - که قولاً و فعلاً این میثاق را از دوران نوجوانی و جوانی با خدای متعال بستیم - اگر خداوند کمک کند و ما بتوانیم این میثاق را حفظ کنیم و در همین عالم طلبگی پیش برویم، من این را ترجیح می‌دهم. شما لطف کردید و این برای ما هم مایه مباهات است، لیکن من پیشنهاد شما را قبول نمی‌کنم.

مقام معظم رهبری دامت برکاته در یکی از دیدارها با مسئولان وزارت علوم

در پاسخ به پیشنهاد اعطای دکتری افتخاری به ایشان

فهرست مطالب

۱۱ مقدمه
۱۳ پیش‌گفتار
۱۷ فصل اول: کلیات
۱۷ نظام تعلیم و تربیت
۱۷ ضرورت آشنایی با نظام تعلیم و تربیت حوزه
۱۸ تاریخچه
۲۰ ساختار و تشکیلات حوزه‌های علمیه
۲۰ شورای عالی حوزه‌های علمیه
۱۹ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
۲۵ فصل دوم: نظام تربیت
۲۵ جایگاه تربیت در حوزه
۲۸ راهکارها و ابزار تربیت
۲۹ فضای عمومی حوزه
۳۰ محتوای متون درسی حوزه
۳۱ ارتباط طلاب با اساتید مهذب
۳۱ درس اخلاق
۳۳ مشاوره
۳۴ یک پرسش مهم
۳۹ فصل سوم: نظام آموزش
۳۹ ویژگی‌ها و امتیازات نظام آموزشی حوزه
۳۹ رسالت‌مداری و جهت‌گیری الهی در آموزش
۴۱ چرخه فراگیری کامل

۶۰	پژوهش‌گرا بودن
۶۰	ارتباط تنگاتنگ علوم در حوزه
۶۱	استمرار تحصیل
۶۲	رابطه اخلاقی و معنوی میان استاد و شاگرد
۶۳	انتخابی بودن استاد
۶۴	تدریس در کنار تحصیل
۶۴	توجه به زبان عربی به عنوان زبان مرجع
۶۵	تعقل‌گرایی و استدلال محوری
۶۵	متن محوری
۶۵	استفاده از روزهای تعطیل
۶۷	برنامه‌ریزی روزانه نه هفتگی
۶۷	سطوح علمی حوزه
۶۷	دورنمای برنامه تحصیلی
۷۶	مدارک علمی حوزه
۸۳	مهارت‌های مورد نیاز در طلبگی
۸۳	اهمیت مهارت‌ها و انواع آن
۸۵	مهارت‌آموزی
۸۹	مهارت‌های طلبگی
۹۱	مهارت علمی در علوم کاربردی
۹۲	سفیران هدایت
۹۸	فهرست منابع

مقدمه

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.^۱

مسیر علم‌آموزی و عمل به دستورات دینی و پاسداری از مرز دین و باورهای اسلامی مسیر انبیا و اولیا و بندگان برگزیده خدا است. طلاب علوم دینی که قدم در میدان علم و عمل می‌گذارند از مصادیق آیه فوق و از بهترین بندگان خدا هستند. طلاب راستین علوم دینی، هم دعوت به سوی خدا می‌کنند و دارای عمل صالح‌اند و هم در گفتار و رفتار تسلیم دستورات دین و از مصادیق مسلمان واقعی می‌باشند. آگاهی طلاب جدید ورود نسبت به نظام تعلیم و تربیت حوزه موجب می‌شود تا آنها با بینش درست و شناخت کافی و انتخابی آگاهانه پای در این عرصه پر مسئولیت و خطیر بگذارند و با انگیزه و نشاط بیشتری خود را برای سربازی حضرت ولی عصر علیه السلام آماده نمایند.

مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت در نظر دارد با استعانت از خداوند متعال و توجهات خاصه حضرت حجت علیه السلام و با بهره‌گیری از عالمان فاضل و کارشناسان تربیت اخلاقی در ایجاد بینش صحیح نسبت به راه و رسم طلبگی تدابیری اتخاذ نماید. چاپ مجموعه کتاب‌های «میثاق طلبگی» و برپایی دوره تربیت اخلاقی با همین نام برای طلاب جدید ورود در راستای همین هدف است. در پایان از فاضل ارجمند حجت الاسلام والمسلمین آقای علی اصغر همتیان که کتاب حاضر به همت ایشان تدوین شده است، تقدیر و تشکر می‌شود.

مدیریت اخلاق و تربیت

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

۱. و کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من [در برابر خدا] از

تسلیم‌شدگانم. (فصلت، آیه ۳۳)

پیش‌گفتار

آیا نظام تعلیم و تربیت حوزه علمی با مراکز دیگر تفاوت دارد؟
 تفاوت نظام تعلیم و تربیت حوزه علمی با نظام تعلیم و تربیت آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی چیست؟
 ویژگی‌های نظام آموزشی حوزه علمی چیست؟
 در نظام آموزشی حوزه علمی چه دوره‌هایی از تحصیل وجود دارد؟
 در نظام آموزشی حوزه علمی چه مهارت‌های مورد نیاز است؟
 آیا ما می‌توانیم در تحصیل در حوزه علمی موفق باشیم؟
 در حوزه علمی تعلیم مهم تر است یا تربیت؟
 حوزه علمی از چه راهکارها و ابزارهایی برای تربیت و تهذیب طلاب بهره می‌گیرد؟
 کتابی که پیش رو دارید با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق و پرسش‌های دیگری در همین زمینه نوشته شده است و در تدوین آن سعی بر این بوده مطالب به سادگی بیان گردد و در عین پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، نکات دیگری را نیز مطرح سازد.
 آنچه در این کتاب ارائه می‌گردد مجموعه نکاتی است که در چندین دوره تابستانی میثاق طلبگی حوزه علمی قم و سایر استان‌ها برای طلاب جدید ورود در مقاطع گوناگون (سیکل، دیپلم و دانشگاهی) در کلاس‌هایی با عنوان «آشنایی با نظام تعلیم و تربیت حوزه علمی» ارائه گردیده و براساس ارزیابی‌ها، نیاز و علاقه طلاب به آن احراز گردیده است.
 امید است این قدم کوچک در انتخاب آگاهانه ورودی‌های جدید حوزه مؤثر بوده

و بتواند در انتخاب درست، آن‌ها را یاری کند و این تلاش ناچیز در روزی که «لاینفع مال و لابنون» است، دست‌گیر ما باشد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از مدیریت اخلاق و تربیت معاونت تهذیب و تربیت که کتاب حاضر به سفارش و نظارت آن مجموعه تدوین شد و نیز حجج الاسلام و المسلمین آقایان محمد عالم‌زاده نوری و کاظم علی‌محمدی که ارزیابی، بازبینی، اصلاح و ویرایش این اثر را برعهده داشته‌اند، کمال تشکر را داشته باشم.

علی اصغر همتیان

تابستان ۱۳۹۹



فصل اول

کلیات



کلیات

نظام تعلیم و تربیت

نظام در فرهنگ لغت فارسی دهخدا به معنای «رشته مروارید و جزآن، رشته جواهر، رشته‌ای که لؤلؤ و جزآن را بدان درکشند و واسطه نظم و آراستگی» آمده است. چنانچه از معنای لغوی نظام به دست می‌آید نظام در واقع ارتباطی است بین مجموعه‌ای از عناصر که در جهت تحقق یک هدف معین کنار هم قرار گرفته‌اند. واژه دیگری که معادل نظام به کار برده می‌شود منظومه است.

نظام تعلیم و تربیت عبارت است از: مجموعه‌ای از برنامه‌های آموزشی و تہذیبی که حوزه علمیه برای رشد و تعالی طلاب برنامه‌ریزی و اجرا می‌نماید و حلقه اتصال این برنامه‌ها اهداف تربیتی و آموزشی است.

ضرورت آشنایی با نظام تعلیم و تربیت حوزه

امیرمؤمنان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به کَمیل می‌فرمایند:

يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرْكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاَجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛

ای کَمیل هیچ حرکتی نیست جز اینکه تو در آن نیاز به شناخت داری!

ورود به حوزه برای طلبه یک انتخاب سرنوشت‌ساز است و آینده عمر فرد را رقم خواهد زد. از آنجا که هر چه انتخاب آگاهانه‌تر باشد موفقیت و پیشرفت بیشتر خواهد بود، شایسته است داوطلبان ورود به حوزه برای شناخت بیشتر حوزه علمیه اقدام نموده و اطلاعات خود را افزایش دهید. از نخستین قدم‌ها در شناخت حوزه

علمیه، شناخت نظام تعلیم و تربیت آن است. طلاب پیش از تحصیل در حوزه علمیه در یک مرکز علمی (مدارس آموزش و پرورش یا دانشگاه‌ها) تحصیل می‌کردند که نظام تعلیم و تربیت خاص خود را داشته است. اکنون باید به این نکته توجه داشت که حوزه علمیه نظام تعلیم و تربیتی دارد که از جهاتی با مراکز علمی دیگر متفاوت است. اگر داوطلبان به ویژگی‌های این نظام توجه نکنند، ممکن است پس از تحصیل طولانی در حوزه احساس خسارت و پشیمانی نمایند.

شناخت نظام تعلیم و تربیت حوزه حداقل به دو دلیل ضروری به نظر می‌رسد: نخست اینکه ممکن است کسی با شناخت نظام تعلیم و تربیت حوزه به این نتیجه برسد که تحصیل در حوزه علمیه - به هر جهت - با شرایط او سازگار نیست. این البته دلیل نقص نیست؛ ممکن است کسی نتواند با شرایط تحصیل در حوزه تطبیق یابد؛ اما همین فرد در یک مرکز علمی دیگر، موفق باشد و بتواند به عنوان یک دانش‌آموخته متعهد به نظام اسلامی خدمت کند. دوم اینکه شناخت نظام تعلیم و تربیت حوزه می‌تواند عامل مؤثری در تحصیل و تربیت صحیح و موفق باشد و طلبه با این شناخت می‌تواند از تمام فرصت‌های خود استفاده و مسیر پیشرفت را سریع‌تر و حساب شده‌تر طی نماید.

تاریخچه

کلمه حوزه یا حوزه‌های علمیه اصطلاحی است رائج در جهان به ویژه نزد شیعیان به معنای مرکز تحصیل و فراگیری علوم دینی است که با در اختیار داشتن میراث به یادگار مانده از خاندان نبوت و عترت علیهم‌السلام، فرهنگ بی‌ظنیری را در تمام زمینه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از خود به یادگار گذارده است. این نهاد مقدس مانند همه نهادهای اجتماعی به تدریج و در طول سال‌های

متممادی شکل گرفته است و ریشه شکل‌گیری آن به صدر اسلام و آغاز بعثت پیامبر اکرم ﷺ بازمی‌گردد.

با آغاز رسالت حضرت محمد ﷺ در مکه، اولین حلقه‌های رسمی آموزش اسلام تشکیل گردید. بعد از هجرت مسلمین به مدینه و نزول آیه نفرت‌تلاش بیشتری برای آموزش و فراگیری احکام و معارف اسلامی صورت پذیرفت و مسجد به عنوان کانون برگزاری جلسات آموزش دین معرفی شد و بدین گونه «جوشش و جنبش علمی مسلمین» از مدینه آغاز شد.

با رحلت رسول مکرم اسلام ﷺ این رسالت عظیم توسط حضرت علی علیه السلام و امامان بعد از ایشان به بهترین وجه عملی شد و تشنگان معارف اصیل اسلام با حضور یافتن در محضر این بزرگان و شاگردان آن‌ها، کام تشنه خود را سیراب می‌کردند.

در عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام تحولی عظیم در آموزش اسلامی پدید آمد؛ این دو بزرگوار در مسجد نبوی صلی الله علیه و آله رواقی برای تدریس داشتند و جلسات درس و گفت‌وگوی علمی در منازل‌شان نیز برپا بود که روایان و طالبان علم در آن‌ها حضور می‌یافتند. سازمان این حوزه‌های درسی، ساده و قابل استفاده و بهره‌برداری برای همگان و پاسخ‌گوی نیازهای زمان بود.

دانشمندان متعددی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، علوم عقلی و علوم طبیعی در این عصر پرورش یافتند. چندین نسل از فقها تربیت شدند که دارای قدرت اجتهاد بودند. قواعد مهم فقهی و اصولی وضع شد و مدارس فلسفه و کلام تأسیس گردید و کتاب‌های مختلفی توسط دانشمندان تعلیم یافته در محضر این بزرگواران نگاشته شد.

حوزه علمی و درسی امام صادق علیه السلام، الگوی تأسیس و اداره حوزه‌های علمیه در قرون بعد و خصوصاً در عصر غیبت شد.

بر اساس حدیث شریف «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...»، در عصر غیبت کبری مسئولیت اداره امور فرهنگی و مرجعیت دینی به فقهای مکتب اهل بیت علیهم‌السلام واگذار شد و از همین جا سازمان روحانیت شکل گرفت و در حوزه‌های علمیه ری، بغداد، حلب، حله، شام، نجف، مشهد، اصفهان، قم و برخی دیگر از شهرهای ایران تبلور یافت.

دوره جدید شکوفایی حوزه‌ها در ایران با هجرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله از نجف به قم آغاز می‌شود و سپس با زعامت و مرجعیت عامه آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله رونق بیشتری یافت.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تحت فشار قرار گرفتن علما در نجف از سوی رژیم بعث عراق حوزه علمیه قم تبدیل به محور و مرکز حوزه‌های علمیه در جهان گردید.^۱

ساختار و تشکیلات حوزه‌های علمیه

در این بخش توضیحات مختصری در مورد ساختار و تشکیلات حوزه‌های علمیه ارائه می‌شود تا شناخت شما از حوزه افزایش یابد.

شورای عالی حوزه‌های علمیه

شورای عالی حوزه‌های علمیه، عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان حوزه‌های علمیه ایران می‌باشد.

اعضاء شورا، هفت نفر از اساتید برجسته حوزه‌اند که به وسیله جامعه مدرسین نامزد شده و به مراجع عظام تقلید قم و مقام معظم رهبری معرفی و از سوی ایشان تعیین می‌گردند.

۱. اقتباس از دانش‌نامه جهان اسلام، مدخل حوزه علمیه.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

این مرکز به عنوان ستاد مرکزی اداره حوزه‌های علمیه کشور، مأموریت سیاست‌گذاری اجرایی، برنامه‌ریزی و نظارت بر حوزه‌های علمیه را برعهده دارد. مدیر مرکز توسط اعضای محترم شورای عالی انتخاب می‌شود.

در مرکز مدیریت بخش‌ها و معاونت‌های گوناگونی متناسب با مأموریت‌های حوزه در عرصه‌های تهذیب و تربیت، آموزش، پژوهش، تبلیغ، بین‌الملل، امور طلاب و دانش‌آموختگان و ... فعالیت می‌کنند.

در هراستان نیز جمعی از علما و بزرگان حوزه به عنوان «شورای حوزه علمیه استان» انتخاب و مسئولیت امور کلان حوزه استان را برعهده دارند. حکم اعضای این شورا توسط مدیر حوزه‌های علمیه صادر می‌شود. در هراستان، مدیریتی به عنوان «مدیریت حوزه علمیه استان» تشکیل شده و مسئولیت اداره و مدیریت برواحدها و مدارس و مراکز حوزوی آن استان را برعهده دارد. حکم مدیر هراستان، پس از انتخاب شورای حوزه علمیه استان و تأیید و تصویب شورای عالی حوزه‌های علمیه، توسط مدیر حوزه‌های علمیه صادر می‌شود.



فصل دوم

نظام تربیت



نظام تربیت

در این فصل به تبیین جایگاه تربیت در حوزه، راهکارها و ابزارهای تربیتی حوزه و معرفی فعالیت‌های معاونت تهذیب می‌پردازیم.

جایگاه تربیت در حوزه

بسیاری از مراکز علمی جهان تنها به دنبال انتقال دانش تخصصی به دانش پژوهان خود هستند و غیر از انتقال آموزه‌ها هدف دیگری را دنبال نمی‌کنند. طبعاً جامعه نیز از دانش پژوهان این مراکز توقعی بیش از آن رشته تخصصی ندارد. کسی که در رشته عمران تحصیل می‌کند، دانش‌های مرتبط با عمران را فرامی‌گیرد و وقتی به عنوان مهندس عمران وارد جامعه شد جامعه نیز از او توقع دارد که آن دانش را در خدمت به مردم به کار گیرد.

اما حوزه بر اساس رسالتی که در جامعه دارد با سایر مراکز علمی تفاوت دارد. حوزه نمی‌تواند به انتقال دانش و مجموعه‌ای از اصطلاحات بسنده کند؛ بلکه تلاش می‌کند دانش پژوهانش در کنار علوم خاص متخلّق و مهذب شوند. جامعه نیز از آن‌ها تنها توقع علم و دانش ندارد؛ بلکه انتظار دارد در کنار توانمندی‌های علمی متخلّق و مهذب باشند.

برای اینکه این مطلب به خوبی روشن شود، سخنی از امام خمینی رضی الله عنه خطاب به طلاب را مرور می‌کنیم:

شما که امروز در این حوزه‌ها تحصیل می‌کنید و می‌خواهید فردا رهبری و

هدایت جامعه را به عهده بگیرید، خیال نکنید تنها وظیفه شما یاد گرفتن مشتی اصطلاحات می‌باشد، وظیفه‌های دیگری نیز دارید. شما باید در این حوزه‌ها خود را چنان بسازید و تربیت کنید که وقتی به یک شهر یا ده رفتید، بتوانید اهالی آنجا را هدایت کنید و مهذب نمایید.^۱

در مجموعه خلقت انسانی بالاتراز پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم ﷺ نداریم. افتخار طلاب این است که منسوب به این بزرگان بوده و وارث آنها محسوب می‌شوند و در ایام تحصیل و حضور در حوزه علمیه باید خود را شبیه‌ترین فرد به رسول الله ﷺ نموده و به گونه‌ای باشند که نماد عینی آن بزرگان گردند. هنگامی که مردم به او می‌نگرند یاد خدا، رسول خدا و اهل بیت ﷺ عصمت و طهارت ﷺ در دل آن‌ها زنده شود. برای اینکه دانش پژوه علوم دینی بتواند نماد عینی رسول الله و ائمه معصومین ﷺ گردد باید اولین هدفی که در سر می‌پروراند اصلاح نفس و تهذیب آلودگی‌های نفسانی باشد، اگر کسی خود را اصلاح نموده و از دنیا طلبی‌ها رها گردد در تأثیرگذاری بر دیگران نیز موفق است. خداوند در سوره یس می‌فرماید:

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ * اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ^۲

مردی از دورترین نقطه شهر با شتاب آمد و گفت: ای قوم من! از فرستادگان الهی پیروی کنید از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند.

بر اساس آیه فوق یکی از ویژگی‌های پیامبران الهی این است که خود هدایت یافته‌اند. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

آنچه مردم را نسبت به تحصیل و طلب علم بی‌ربط کرده این است که عالمان

۱. امام خمینی ره، جهاد اکبر، ص ۱۲.

۲. یس، آیات ۲۰ و ۲۱.

بدون عمل را زیاد دیده‌اند.^۱

براساس این روایت در صورتی که هدف اصلی از تحصیل علم، خودسازی نباشد علم به تنهایی گاه باعث دورتر شدن مردم از دعوت‌کنندگان به خدا می‌شود. طلبه برای انجام رسالت الهی، اصلی‌ترین هدفی که باید در سرپرورانده و به دنبال آن برود و خود را - تحت نظارت ره یافتگان فقیه - به تعب و رنج اندازد اصلاح و تهذیب نفس است. علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌فرماید:

فقیه در روایات غالباً بر عالم عامل خبیره عیوب نفس و خبیره آفات نفس اطلاق می‌شود؛ همان عالمی که تارك دنیا و زاهد باشد، به آنچه نزد خداست راغب باشد از قبیل نعیم جاودانه او و قرب و وصال او.^۲

بنابراین موفقیت در این حوزه علمی فقط به دانش و علم نیست؛ بلکه در کنار علم و دانش مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را باید مراعات کرد. البته اگر عزم بر تحقق این مهم باشد خداوند متعال نیز کمک خواهد کرد. یکی از شاگردان علامه طباطبایی رحمته الله علیه نقل می‌کرد:

روزی به محضر علامه طباطبایی رسیدم و شروع کردم به گریه کردن (گویا به نظر خودش باید توفیقات بیشتری داشته باشد و گلایه مند بوده است) علامه نگاهی کردند و فرمودند: به وعده‌های خدا ایمان داری؟ در پاسخ به این پرسش متوقف شدم. با خود گفتم اگر بگویم ایمان دارم درست نیست زیرا آنگونه که شایسته است ایمان ندارم. اگر بگویم ایمان ندارم نیز درست نیست. بدون اینکه پاسخی بگویم دستانم را به گونه‌ای حرکت دادم که از آن فهمیده شود که هم ایمان دارم

۱. انما یرقد الناس فی طلب العلم کثره ما یرون من قله من عمل بما علم. (تمیمی آمدی، غرالحکم، ص ۲۷۵، ش ۳۶)

۲. یطلق الفقیه غالباً فی الاخبار علی العالم العامل الخبیر بعیوب النفس و آفاتھا التارک للدنیا الزاهد فیها الراغب الی ما عنده تعالی من نعیمه و قره و وصاله. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۸)

هم ندارم، ایمان دارم چون به هر حال مؤمنم و ایمان ندارم چون آنگونه که شایسته است ایمان ندارم. علامه طباطبایی فرمودند: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱. از آن به بعد این آیه همیشه در ذهن و وجود بود و همیشه بر اساس این آیه تلاش می‌کردم.

شهید ثانی رحمته الله در کتاب «شرح لمعه» در مورد شرایط قاضی به شرط اجتهاد اشاره می‌کند و پس از اینکه علوم مقدماتی اجتهاد را تشریح می‌کند، می‌فرماید: قوه اجتهاد و استنباط قوه‌ای است که توفیقش دست خدای متعال است؛ به هر کس بخواهد بر اساس حکمت و اراده‌اش عنایت می‌کند و البته تلاش و کوشش در کسب این توفیق مؤثر است.» و در ادامه به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» اشاره می‌کند.^۲

ما نیز اگر با تمام وجود برای تحصیل در حوزه علمیه تلاش کنیم خداوند متعال به ما کمک خواهد کرد.

راهکارها و ابزار تربیت

حوزه علمیه برای تربیت طلاب چه راهکارهایی را طراحی نموده و چه ابزاری در اختیار دارد؟ مهم‌ترین راهکارها و ابزار حوزه علمیه برای تربیت طلاب عبارت‌اند از: فضای عمومی حوزه علمیه، محتوای متون درسی، ارتباط طلاب با اساتید مذهب، دروس اخلاق، مشاوره و برنامه‌های گوناگون معاونت تهذیب و تربیت.

اکنون به توضیح مختصر این امور می‌پردازیم:

۱. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است. (عنکبوت، آیه ۶۹)
۲. رک: شهید ثانی، الروضه البهیة (شرح لمعه)، ج ۲، باب القضاء.

فضای عمومی حوزه

انسان موجودی است که از محیط اطراف خود تأثیر می‌پذیرد؛ البته میزان این تأثیر نسبت به افراد گوناگون متفاوت است؛ اما مسلم اینکه تأثیر فضا بر فرد اجتناب‌ناپذیر است مگر نسبت به افراد خاصی که بتوانند در امان باشند. به صورت طبیعی کسی که وارد حوزه می‌شود به آن علاقه دارد و در برخورد با فضای حوزه علمیه گارد دفاعی نمی‌گیرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های حوزه که می‌تواند به تربیت طلاب کمک کند، فضای عمومی آن است. منظور فضایی است که طلبه در آن تحصیل می‌کند و با دیگران ارتباط دارد. فضای حوزه ویژگی‌هایی دارد در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: وجود جوانان متدین؛ یکی از ویژگی‌های برجسته فضای حوزه، وجود جوانان متدین است. تأثیر دوستان و همراهان متدین در تربیت آشکار است و تصدیق به این موضوع برای شما مشکل نیست؛ حتما در دوران تحصیل خود با افراد گوناگونی در ارتباط بوده‌اید و تأثیر این افراد را بر خود و دیگران از نزدیک لمس کرده‌اید.

جوانی که به عنوان طلبه وارد حوزه می‌شود با افرادی ارتباط پیدا می‌کند که سعی می‌کنند نمازشان را در اول وقت و به جماعت بخوانند، از دروغ و غیبت و تهمت پرهیز کنند، حق دیگران را ضایع نکنند، به بزرگترها احترام بگذارند و در یک جمله می‌کوشند بر اساس دین اسلام عمل کنند. ارتباط با اینگونه افراد خود به خود زمینه رشد و تربیت ما را فراهم می‌سازد.

شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله در بیان زیبایی فضای حوزه‌های علمیه را این‌گونه معرفی می‌کند:

محیط حوزه‌های علوم دینی ما امتیازات و مشخصات مخصوص به خود دارد که در سایر محیط‌ها نظیر آن را نمی‌توان یافت. محیط حوزه‌های علوم دینی محیط صفا و صمیمیت و اخلاص و معنویت است، یعنی آن روح عمومی که بر این حوزه‌ها

حکومت می‌کند همین روح است... تقدم و احترام واقعی يك طلبه نسبت به دیگران جز بر مبنای تحصیلات و قدس و تقوا نمی‌تواند باشد... محیط حوزه‌های علوم دینی محیط زهد و قناعت است، از اسراف و عیاشی و مجالس شب‌نشینی که در سایر طبقات است و احیاناً دانشجویان غیر رشته علوم دینی در آن مجالس شرکت می‌کنند، خبری نیست و حتی اندیشه این‌گونه امور نیز در دماغ يك محصل دینی پیدا نمی‌شود و اگر کسی کوچک‌ترین تمایلی به این امور نشان بدهد سقوطش قطعی است... روابط استاد و شاگرد در میان طلاب، صمیمی و احترام‌آمیز است. شاگردان احترام استادان خود را در حضور و غیاب با کمال ادب رعایت می‌کنند و حتی بعد از فوت آنها همواره آنها را به نیکی و دعای خیر یاد می‌کنند... در سایر محیط‌های تحصیلی - چنان که می‌دانیم - این امور کمتر وجود دارد.^۱

برنامه‌های مناسبی و مذهبی: یکی از برنامه‌هایی که در مدارس علمیه وجود دارد برنامه‌های دعا، نیایش، روضه و... است که این برنامه‌ها نیز می‌تواند طلبه را تربیت کند. طلبه‌ای که در مجالس دعا و توسل شرکت می‌کند، آرام آرام زمینه ارتباط با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را پیدا می‌کند و همین امر باعث می‌شود آمادگی لازم برای تربیت را در بسیاری از عرصه‌ها پیدا نماید. طلبه‌ای که در جلسات دعا و نیایش و در مقام عبد، خدای خود را خاشعانه می‌خواند بهترین زمینه برای ارتباط با خدا را پیدا می‌کند.

محتوای متون درسی حوزه

متون درسی حوزه علمیه به ویژه پس از دوره مقدمات، اغلب برگرفته از آیات و روایات است که آثار تربیتی و تهذیبی خاص خود را دارد.

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۴، ص ۴۸۸.

علوم قرآنی، تفسیر قرآن، نهج البلاغه، فقه و اصول از جمله این متون درسی است که طلبه به واسطه ارتباطی که با قرآن و روایات پیدا می‌کند زمینه تربیت و تهذیب برای او فراهم می‌شود.

آشنایی با علومی مثل منطق، فلسفه و کلام و اعتقادات، زمینه تعمیق باورهای اعتقادی را در طلبه فراهم می‌کند و تردید نیست که تصحیح بینش‌ها و باورها زیربنای اصلاح و تهذیب نفس به‌شمار می‌آید.

ارتباط طلاب با اساتید مذهب

ارتباط روزانه طلبه با اساتید متخلق و مهذب می‌تواند زمینه تربیت او را فراهم سازد. در حوزه علمیه ارتباط استاد و شاگرد ارتباط پدر و فرزندی است.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

الآباء ثلاثة: أب وُلدك و أب زَوْجك و أب عِلْمك؛

پدرها سه دسته‌اند: پدری که باعث تولد توست، پدری که دخترش را به تزویج تو درمی‌آورد و پدری که به تو تعلیم می‌دهد.

درس اخلاق

درس اخلاق در حوزه دو شکل دارد. یکی درس‌های اخلاق رسمی در برنامه‌های آموزشی حوزه که به اخلاق نظری معروف است. دوم: درس اخلاق عمومی.

اخلاق نظری به هدف آشنایی با علم اخلاق و آداب اسلامی در برنامه آموزشی حوزه قرار گرفته و به صورت کلاسیک تدریس می‌شود و در پایان آزمون مربوطه برگزار می‌گردد. علاوه بر این، در حوزه‌های علمیه درس اخلاق عمومی نیز به هدف تأثیرپذیری و ارتقای روحی و افزایش قدرت عمل برگزار می‌گردد. بخشی از این دروس، به صورت

هفتگی در مدرسه علمیه و برخی در فضای عمومی شهر و به اهتمام معاونت تهذیب حوزه توسط عالمان وارسته برگزار می‌گردد. دروس اخلاق عمومی اختصاص به سن و سال مشخصی ندارد و همه طلاب حتی کسانی که در مراتب بالای علمی هستند از این کلاس‌ها استفاده می‌کنند.

دروس نوع اول به هدف انتقال آموزه‌های علم اخلاق و بررسی عالمانه موضوعات اخلاقی است در حالی که دروس نوع دوم بیشتر از مقوله موعظه و به هدف انبعاث عملی، تأثیر روحی و پالایش نفس است و انسان بیش از آن و پیش از آن که به آموختن اخلاق نیازمند باشد محتاج موعظه و تذکر است. استاد در دروس نوع اول معلم است و استاد در دروس نوع دوم واعظ و مربی.

کاری که معلم در کلاس درس انجام می‌دهد، ایجاد گزاره‌های جدید در ذهن انسان است؛ اما وظیفه‌ای که واعظ برفراز منبر بر عهده دارد برانگیختن اراده و حرکت است. مخاطب معلم «ذهن» آدمی و مخاطب مربی و واعظ «جان» اوست. معلم چیره‌دست آموزگاری است که معلومات بیشتری را به بیان رسا منتقل سازد و مربی موفق کسی است که چون از سخن فارغ شود، مخاطبش تصمیم به عمل گیرد و عزم بر اقدام و حرکت جزم کند. گاهی مربی و واعظ در مجلس موعظه، هیچ دانش جدیدی بیان نمی‌کند و سخن تازه‌ای نمی‌آموزد اما با تکرار دانسته‌ها و تحریک آگاهی‌های افسرده و غفلت‌زدایی زمینه اراده را فراهم می‌کند.

به همین جهت نباید از تکرار و یادآوری آموخته‌ها دل‌آزرده و رنجیده خاطر گردیم، بلکه شایسته است در برنامه زندگی خویش، شرکت در مجالس موعظه و ذکر را نیز قرار دهیم و به این نیاز ضروری و حیاتی توجهی در خور اهمیتش نماییم. در فرمایش ائمه هدی علیهم‌السلام آمده است:

«عَلَيْكَ بِمَجَالِسِ الذِّكْرِ»^۱ و «سَامِعُ ذِكْرِ اللَّهِ ذَاكِرٌ»^۲.

خداوند متعال نیز می فرماید:

«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۳ و «يَعْظُمُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۴.

برخی گمان می کنند در درس اخلاق عملی نیز مانند دروس دیگر باید مطالب جدیدی بیاموزند. از این جهت اگر مطلب تازه ای نیاموختند شاکی و معترض می گردند. در حالی که انسان نیازمند شنیدن است و اثری که در شنیدن هست در دانستن نیست.

جانور فربه شود از راه نوش آدمی فربه شود از راه گوش

دفتر امور تربیت اخلاقی معاونت تهذیب حوزه های علمیه عهده دار شناسایی، جذب و اعزام اساتید اخلاق به مدارس علمیه سراسر کشور است.

مشاوره

یکی دیگر از برنامه هایی که می تواند به تربیت و تهذیب طلاب کمک کند مشاوره است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

لا ظهير كالمشاوره؛^۵

هیچ پشتیبانمانند مشاوره نیست.

در برخی از مدارس مشاوران ثابتی حضور دارند که طلاب می توانند در امور مختلف اخلاقی، تربیتی، تحصیلی و ... به آنها مراجعه کنند و از راهنمایی های آنها بهره گیرند.

.....

۱. بر توباد به مجالس ذکر. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶۵)

۲. شنونده ذکر خدا، ذاکر خداست. (تمیمی آمدی، غررالحکم، حدیث ۵۵۷۹)

۳. و (مؤمنان را) تذکرده، زیرا تذکر و پند مؤمنان را سود می بخشد. (ذاریات، آیه ۵۵)

۴. خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید! (نحل، آیه ۹۰)

۵. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۴۰.

ضروری است بدانیم مشاوره اختصاصی به آدم‌های بیمار و مشکل‌دار ندارد، گرچه مشاور می‌تواند در حل مشکلات روحی و روانی به ما کمک کند. اما برای دریافت راهنمایی و پیش‌گیری از بروز مشکلات روحی و اخلاقی احتمالی نیز باید به مشاور مراجعه کرد.

در حوزه یک مجموعه منسجم و کارآمد به نام دفتر امور مشاوره و خانواده وجود دارد که به صورت دوره‌ای اساتید مشاور خود را به مدارس علمیه سراسر کشور اعزام می‌کند. همچنین در برخی از مدیریت‌های استانی مکان مستقلی به عنوان مرکز مشاوره حوزه وجود دارد که مشاوران با تخصص‌های گوناگون آماده پاسخ‌گویی به نیازهای مشاوره‌ای طلاب و خانواده‌های آنها هستند.

یک پرسش مهم

بسیاری از طلاب به دنبال این هستند که استاد اخلاق خصوصی داشته و یک برنامه اخلاقی اختصاصی را طی کنند و تحت نظارت استادی شناخته شده سیر و سلوک داشته باشند. پرسش این است که آیا در مسیر تربیت نیاز به استاد اخلاق خصوصی داریم؟ پاسخ این پرسش از کتاب «اخلاق در قرآن» آیت الله مکارم شیرازی رحمته‌الله علیه نقل می‌شود.

بسیاری از علمای سیر و سلوک عقیده دارند که رهروان راه کمال و فضیلت و تقوا و اخلاق و قرب الی الله باید زیر نظر استادی کار کنند؛... ولی آگاهان ذی فن هشدار می‌دهند که رهروان راه تقوا و تهذیب نفس نباید به آسانی خود را به این و آن بسپارند، و تا کسی را به قدر کافی آزمایش نکنند و از صلاحیت علمی و دینی آنها آگاه نگردند، خود را در اختیار آنان قرار ندهند، و حتی به ظاهر شدن کارهای خارق العاده و خبر از اسرار پنهانی یا مربوط به آینده و حتی عبور از روی آب و آتش قناعت نکنند، چرا که صدور این گونه اعمال از مرتاضان غیر مهذب

نیز امکان پذیر است....

از مجموع آنچه گفته شد استفاده نمی‌شود که در مباحث اخلاقی همیشه استاد خصوصی لازم است به طوری که اگر نباشد برنامه تربیت و پرورش اخلاق و تقوا و ادامه سیر و سلوک مختل گردد، چه بسیاری کسانی که با استفاده از آیات قرآن و روایات اسلامی و کلمات بزرگان در کتب اخلاقی و التزام عملی به آنها، این راه را پیموده و به مقالات والایی رسیده‌اند، هر چند نمی‌توان انکار کرد که وجود استاد خصوصی و مدد گرفتن از انفس قدسیه نیکان و پاکان وسیله خوبی برای نیل کمال و طی طریق در کوتاهترین مدت و حل مشکلات اخلاقی می‌باشد. در نهج البلاغه نیز آمده است: «یا ایها الناس استصحبوا من شعله مصباح واعظ متعظ؛ ای مردم چراغ دل را از شعله گفتار واعظی با عمل، روشن سازید»^۱. ولی متأسفانه در بسیاری از این موارد نتیجه معکوس حاصل شده است، و افرادی به عناوین مختلف، خود را به عنوان مربی اخلاق و استاد مقام ارشاد قلمداد کرده، در حالی که از رهنمان این راه بوده‌اند و افراد پاکدل و حق طلب را به راه تصوّف یا طرق انحرافی دیگر، و یا خدای نکرده به مفاسد اخلاقی ننگین کشانیده‌اند، به همین دلیل، ما به تمام پویندگان این راه هشدار می‌دهیم که اگر می‌خواهند استادی برای مسایل اخلاقی انتخاب کنند بسیار با احتیاط گام بردارند و در این انتخاب سخت‌گیر و دقیق باشند و هرگز به ظواهر عمل نکنند و به سوابق اشخاص، خوب بنگرند و با مشورت با آگاهان دست به چنین انتخابی بزنند تا به مقصود خود نایل گردند.^۲

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

۲. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، جلد اول، ص ۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷؛ برای آگاهی بیشتر، رک: عالم‌زاده نوری، محمد و دیگران؛ نقش مربی در تربیت اخلاقی معنوی.



فصل سوم

نظام آموزش



نظام آموزش

در این فصل به ویژگی‌ها و امتیازهای نظام آموزش، سطوح علمی و مدارک حوزه، مهارت‌های مورد نیاز در زمان تحصیل و آشنایی با معاونت آموزش و ادارات آن خواهیم پرداخت.

ویژگی‌ها و امتیازهای نظام آموزشی حوزه

نظام آموزشی حوزه از نظام‌های کهن آموزشی و دارای ویژگی‌های ممتازی است و هر چه زمان می‌گذرد اهمیت و ضرورت این ویژگی‌ها بیشتر آشکار می‌شود. در این بخش مهم‌ترین ویژگی‌های نظام تعلیم حوزه علمیّه معرفی می‌گردد:

رسالت‌مداری و جهت‌گیری الهی در آموزش

تحصیل و آموزش در حوزه‌های علمیّه، ذیل عبودیت، تقوا، قدس و پاکی قرار دارد. طلاب علوم دینی تحصیل علوم دینی را یک عبادت، وظیفه‌ای دینی و رسالتی الهی تلقی می‌کنند، به اشتغالات حوزوی به چشم یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کنند و از اغراض دنیوی و مادی می‌پرهیزند. پای بندی به اصول و رعایت ضوابط و مقررات آموزشی نیز به هدف کسب رضایت خدا و ولی خدا امام زمان علیه السلام است. در حوزه درس خواندن پلکان ترقی مادی نیست. آموزش نیز برای راهیابی به پست و مقام یا ثروت و جلال مادی، صورت نمی‌گیرد. همین جاذبه معنوی، بسیاری از طالبان کمال را به سوی حوزه‌های علمیّه کشانیده است. عجین شدن اخلاص، معنویت و تقوای الهی با نظام آموزشی حوزه، ترکیب بی‌بدیل و منحصر به فردی پدید آورده و

عالمان متعهد و مهدّبی را در طول تاریخ به جامعه بشری، تحویل داده است. مقام معظم رهبری دامنه‌الله فرموده‌اند:

از اول که درس می‌خواندیم به ما یاد دادند که درس خواندن برای مقام یا پول، بد و عیب است. در تحصیلات دیگر، در فرهنگ‌های دیگر، در نظام‌های آموزشی دیگر، وقتی کسی درس را شروع می‌کند، اگر بگویند برای چه درس می‌خوانی می‌گوید: برای اینکه در آینده بتوانم شغل بگیرم. غیر از این است؟ اگر از اول به ما بگویند: چرا شروع به درس خواندن کردید و چرا طلبه شدید؟ چنانچه بگوییم برای این است که در آینده شغل بگیرم، یک نقطه منفی به حساب می‌آید. فرهنگ و محیط ما این را یاد داده است.

مجلس درس در حوزه بسیار مقدس است، سعی طلاب علوم دینی و اساتید حوزوی بر ایجاد تقارن میان علم و عمل، التزام به عبادت در کنار تحصیل، قصد قربت الهی در تحصیل و تدریس، حضور با وضو در کلاس درس، ذکر نام و یاد خدا در ابتدا و انتهای درس، درود و صلوات و توسل به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت:، احترام و تواضع در مقابل استاد و سایر طلاب، احترام به کتاب‌ها و منابع علمی، تعظیم علما و دانشمندان در گفتار و نوشتار، همه نمودهایی از آمیخته شدن اخلاق و معنویت در مسیر فراگیری علم است.

همین موضوع باعث شده که در نظام آموزش طلبگی اکثر طلاب با میل و اراده شخصی و علاقه قلبی و در کمال آزادی به تحصیل مشغول‌اند، در نتیجه انگیزه‌های گریز و بی‌زاری از محیط آموزشی وجود ندارد و محیط آموزش بر آنان قیدی از نوع انگیزه‌های بیرونی نمی‌نهد. آموزش بدون فشار اداری و مقررات انضباطی صورت می‌گیرد و با شور و انگیزه درونی دنبال می‌شود.

چرخه فراگیری کامل

یکی از ویژگی‌های نظام آموزشی حوزه، چرخه کامل فراگیری است. فرایند فراگیری در حوزه، مشتمل بر این مراحل است: «پیش مطالعه، حضور در کلاس، مطالعه پس از درس، مباحثه، تفکر، پژوهش، نگارش و تکرار».

در اینجا به اختصار به معرفی مراحل فرایند فراگیری می‌پردازیم و توضیحات بیشتر در مورد هر کدام در فصل مهارت‌های مورد نیاز طلبه ارائه می‌گردد.

پیش مطالعه

پیش مطالعه نخستین مرحله در فرایند فراگیری بوده و عبارت است از: مطالعه متن درس قبل از حضور در کلاس با هدف پیدا کردن آمادگی لازم برای بهره‌مندی از کلاس و محضر استاد.

پیش مطالعه آثار و فواید فراوانی دارد؛ از جمله اینکه طلبه را با ساختار کلی و جغرافیای مطالب درس آشنا می‌سازد. توجه به ساختار درس، میزان بهره‌برداری از کلاس را به صورت قابل توجهی افزایش می‌دهد.

پیش مطالعه طلبه را در کلاس درس فعال می‌سازد؛ زیرا وقتی طلبه پیش مطالعه می‌کند به صورت طبیعی بخشی از مطالب را متوجه می‌شود و بخشی را نیز به جهت پیچیدگی نمی‌تواند به صورت کامل درک کند. همین موضوع باعث می‌شود در کلاس درس نسبت به مطالب مشکل توجه بیشتری پیدا کند و بهره کلاس افزایش یابد. در صورتی که استاد به آن مطلب نپردازد، طلبه با سؤال به موقع، پاسخ خود را خواهد یافت. مقام معظم رهبری (عجله) در توصیه به طلاب می‌فرمایند:

(سنت) دیگر، سنت پیش مطالعه است. قبل از اینکه درس بخوانید باید مطالعه بکنید. این کار به درس خیلی کمک می‌کند و آن قدر مهم است که بعضی از اساتید ما، آن وقت‌ها می‌گفتند: اگر امرتان دایر بین پیش مطالعه و پس مطالعه

است، پس مطالعه نکنید، پیش مطالعه کنید^۱.

طلبه‌ای که در طول یک سال تحصیلی هر شب بخشی از یک کتاب را قبل از تدریس استاد پیش مطالعه کرده، به مرور با قلم نویسنده آشنا می‌شود و هرچه جلوتر می‌رود میزان بهره‌اوان علم و آن کتاب افزایش می‌یابد. ممکن است طلبه در ابتدای سال، هنگام پیش مطالعه تنها درصد کمی از مطالب کتاب را متوجه شود اما در ادامه و به تدریج این درصد افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب طلبه قدرت مطالعه، درک مطلب و تفکر بیشتری خواهد یافت.

تذکر چند نکته در مورد پیش مطالعه ضروری به نظر می‌رسد:

- برای پیش مطالعه در هر درس - به ویژه در دروس سال‌های اولیه حوزه - بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه پیشنهاد می‌شود و بیش از این توصیه نمی‌شود؛ زیرا اولاً با توجه به تعداد درس‌ها در یک روز امکان پیش مطالعه طولانی نسبت به همه درس‌ها وجود ندارد و ثانیاً اختصاص بیش از این مقدار انرژی زیادی از طلبه می‌گیرد باعث خستگی و ملالت می‌گردد و موجب می‌شود پیش مطالعه استمرار پیدا نکند.

- میزان فهم در پیش مطالعه چندان مهم نیست. اگر طلبه‌ای در پیش مطالعه تنها درصد کمی مطالب را متوجه شد نگران نباشد، مهم این است که برای حضور در کلاس آمادگی لازم را پیدا کند.

- هرچه زمان پیش مطالعه به زمان حضور در کلاس نزدیک‌تر باشد مناسب‌تر است. ممکن است طلبه‌ای قبل از حضور در کلاس ۲۰ دقیقه فرصت داشته باشد می‌تواند از این زمان برای پیش مطالعه استفاده کند، حتی اگر فرصت پیش مطالعه از بین رفته باشد می‌تواند دقایق اول کلاس درس را به مرور سریع مطالب اختصاص دهد و به صورت فعال در کلاس درس حاضر شود.

۱. حوزه و روحانیت درآینه رهنمودهای رهبری، ج ۲، ص ۲۵.

- تمرکز بر متن کتاب درسی یکی از نکات مهم در پیش مطالعه است. مراجعه به کتاب‌های شرح در پیش مطالعه مفید نیست.

- طلبه باید از اعتماد کامل به فهم و درک خود در پیش مطالعه بپرهیزد و گرفتار عجب علمی نشود. فهم طلبه از درس باید در محضر استاد تست شود و با بیان استاد تکمیل و تصحیح شود. از آسیب‌های پیش مطالعه این است که طلبه به فهم خود اعتماد کند و در کلاس درس توجه کافی به مطالب استاد نداشته باشد و یا توضیح استاد را نپذیرد.

حضور در کلاس

حضور در کلاس دومین مرحله از فرایند فراگیری یک درس است و به درک محضر استاد و ارتباط مستقیم و چهره به چهره با او در کلاس درس گفته می‌شود. در این ارتباط مطالب درسی از زبان استاد شنیده می‌شود و امکان رفع اشکال و پرسش و پاسخ نیز وجود دارد. مهم‌ترین بخش فراگیری در این مرحله اتفاق می‌افتد. از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود طلبه در هنگام حضور در کلاس بهره‌برداری کامل از کلاس را داشته باشد، تمرکز است. برخی از عوامل حفظ تمرکز در کلاس درس به قرار زیر است:

- توجه به هدف از حضور در کلاس؛
- نشستن در جای مناسب در کلاس؛
- مقید بودن به یادداشت نکات مهم؛
- پیش مطالعه؛
- مقید بودن به فهم کامل درس؛
- مقید بودن به حضور فعال در کلاس؛
- تلاش برای از بین بردن موانع تمرکز مانند چیزهایی که تمرکز انسان را به هم

می‌زند، نشستن در مکان نامناسب، داشتن اشتغالات فراوان در خارج از کلاس و دل‌مشغولی‌های گوناگون و

مطالعه پس از درس

طلبه در این مرحله، آنچه از استاد آموخته است را پس از ساعت کلاس مطالعه می‌کند و می‌کوشد فراگیری خود را به‌گونه‌ای تکمیل کند که بتواند در مباحثه شرکت کرده و آن درس را به دیگران ارایه نماید.

زمان مطالعه پس از درس، برخلاف پیش‌مطالعه چندان محدود نیست؛ بلکه باید تا فهم کامل درس ادامه یابد. بنابراین برخلاف پیش‌مطالعه فهم و درک کامل مطلب، در اینجا مهم است.

برای طلبه که عمده زمان و توان خود را به مطالعه و با کتاب می‌گذراند مطالعه درست و موفق یک مهارت بسیار مفید و ضروری است. از جمله مهارت تندخوانی و تمرکز باعث می‌شود که بازده کار طلبه چند برابر شود.

بی‌شک تندخوانی به معنی سرهم‌بندی، نفهمیدن و جانفِتادن مطالب نیست. تندخوانی یعنی رسیدن به درک مطلب با تمرکز بالا در کمترین زمان ممکن و استفاده بهینه از فرصت مطالعه با تسلط بیشتر بر آن.

در اینجا مجال بیان نحوه تندخوانی و اصول و راهکارها و موانع آن نیست. مهندس مرتضی نصرت‌عضوانجمن بین‌المللی مطالعه و بنیان‌گذار تندخوانی در ایران در مورد ضرورت پرداختن به تندخوانی می‌گوید:

تحقیقات انجام گرفته حاکی است که سرعت متوسط مطالعه در کشور ما ۱۵۰ کلمه در دقیقه است. همین سرعت پایین همراه با سایر مشکلات و موانع موجود در روش‌های متداول مطالعه باعث سرخوردگی و عدم علاقه به مطالعه می‌شود. تحقیقات جالبی که در مورد کارایی روش سنتی مطالعه انجام شده حاکی از این

است که افرادی که با این روش مطالعه می‌کنند پس از گذشت فقط یک روز بیش از ۸۰ درصد آنچه را که خوانده‌اند فراموش می‌کنند و پس از گذشت حدود ۲ الی ۳ روز نیمی از ۲۰ درصد بقیه را نیز از خاطر می‌برند به عبارت ساده‌تر ۹۰ درصد اطلاعات در مدت بسیار کوتاهی از بین می‌رود. تندخوانی به شما کمک می‌کند با تمرکز بر مطالعه سرعت مطالعه را افزایش دهید و در عین حال از کیفیت یادگیری شما کاسته نشود. تندخوانی مجموعه‌ای از مهارت‌های ساده است که هر کس بدون هیچ‌گونه محدودیتی از نظر سن، شغل، حرفه، توارث و یا میزان هوش می‌تواند در مدت کوتاهی با اندکی سعی و تلاش آن‌ها را فرا بگیرد.^۱

در اهمیت تندخوانی ذکر همین نکته کافی است که بسیاری از بزرگان ما در حوزه به این امر اهتمام داشته و در تندخوانی دارای رکورد هستند. البته مهارت تندخوانی بیشتر با تمرین و تکرار به دست می‌آید ولی برای شروع، نیاز به آموزش‌های اولیه و طی دوره‌های معتبر دارد.

مباحثه

مباحثه از روش‌های بسیار مؤثر آموزشی و از ویژگی‌های خاص نظام آموزشی حوزه است. مباحثه عبارت است از: کاوش و جست‌وجوی جمعی، برای یافتن پاسخ به سؤالی و پیدا کردن راه حل مشکلی، یا تثبیت و تعمیق یک سری مفاهیم و گزاره‌های آموخته شده، از طریق گفت‌وگو و تبادل دیدگاه‌ها و نظرات به گونه‌ای که متضمن نوعی تأثیر و تأثر متقابل باشد.^۲

مباحثه به این صورت است که طلبه پس از حضور در کلاس و مطالعه درس، در یک ساعت مشخص - که در برنامه روزانه طلبه معلوم شده - با حداقل یک

.....
۱. مجله گزارش، شماره ۳۹، ص ۷۳.

۲. ثریا، مهدی، روش بحث و مذاکره، ص ۳۸.

نفر از هم‌کلاسی‌های خود که در همان درس شرکت داشته درسی را که از استاد فراگرفته، مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌دهد. در مباحثه یک نفر از طلاب گروه مباحثه - بدون تعیین قبلی - شروع به ارائه می‌کند و مطالب درس فراگرفته را شبیه استاد توضیح می‌دهد. ضمن سخنان او، افراد گروه از جزئیات یا کلیات مطالب از او می‌پرسند، نسبت به گفته‌های او انتقاد می‌کنند و دلیل می‌خواهند، مطالب او را تکمیل می‌کنند و هر جا اشتباهی یا ابهامی یافتند متذکر می‌شوند. در ادامه نیز مطالب گفته شده را بر متن کتاب نیز تطبیق می‌کنند. اگر در مباحثه سؤالات جدیدی پدید آید و گروه از عهده فهم آن بر نیایند، آن را نزد استاد خویش برده و از طریق وی شبهه خویش را حل می‌کنند. بنابراین مباحثه تکرار مطالب و روخوانی جمعی کتاب نیست، القای یک جنبه و گوش کردن به یک سخنرانی هم نیست، بلکه یک تعمیق و بررسی تحلیلی گروهی و گفت‌وگوی دویا چند جانبه است که در آن همه اعضا مشارکت علمی و حضور فعال دارند. شهید مطهری رحمته‌الله در مورد روش تحصیل در حوزه می‌نویسد:

امتیاز متد تحصیلی طلاب نسبت به سایر متدها همین است که طلاب، درسی را که از استاد فرا می‌گیرند دقیقاً مطالعه می‌کنند و سپس مباحثه می‌کنند و می‌نویسند و در همان حال دروس دیگر را تدریس می‌کنند. این جهات سبب می‌شود که طلاب در حدود تحصیلات خود عمیق می‌گردند.^۱

مقام معظم رهبری دامت‌برکاته نیز درباره مباحثه فرموده‌اند:

سنت مباحثه، جزو بی‌بدیل‌ترین سنت‌هاست. مباحثه، هنوز هم که هنوز است در مجامع فرهنگی جدید جا نیفتاده است. مباحثه یعنی تمرین استادی. استاد آن کسی است که وقتی می‌خواهد مطلبی را بیان کند، بر آن مسلط است، این نیست

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۴۸۹.

که فهمیده باشد، بلکه بر آن مسلط است. وقتی استاد درس می‌گوید، آدم کتاب را نگاه می‌کند، خیال می‌کند مطلب را فهمیده است، اما وقتی می‌خواهد به زبان بیاورد، می‌بیند لنگ لنگ است. مباحثه شما را به لنگی‌تان آشنا می‌کند و شجاعت و گستاخی تعلیم دادن می‌دهد، چون هم مباحثه‌تان، امروز شاگرد شماست و فردا هم شما شاگرد اوید و قشنگ گوش می‌دهید تا او برای شما خوب بیان کند.^۱

در انتخاب هم‌بحث، باید به نظم و وظیفه‌شناسی، تناسب استعداد، قدرت فهم مطالب، تناسب روحیات اخلاقی و تخلق به اخلاق کار گروهی توجه کرد. حداقل تعداد افراد گروه مباحثه ۲ نفر است. مناسب است این تعداد از ۴ نفر تجاوز نکند، زیرا با افزایش تعداد افراد گروه، مباحثه طول می‌کشد و امکان جمع‌بندی مطالب از بین می‌رود. مناسب‌ترین تعداد برای مباحثه ۳ نفر است تا با غیبت یک نفر مباحثه به تعطیلی نکشد.

مباحثه نسبت به سایر مراحل آموزش، برتری دارد. توجیه این برتری در واژه «درگیری» خلاصه می‌شود. ساده‌ترین مثال برای درک بهتر مفهوم «درگیری» حالت‌های دو حریف در حال کشتی گرفتن می‌باشد. در جریان کشتی هر یک از طرفین، در عین حال که باعث حرکات طرف دیگر است، از حرکات او نیز تأثیر می‌گیرد.

فوائد اصلی مباحثه به قرار زیر است:

۱. تنظیم و ترتیب مطالب در ذهن و در نتیجه انسجام فکری (چون قصد ارائه وجود دارد)؛

۲. ترمیم مطالب در ذهن و روشن شدن نقاط مبهم (مطالب جاافتاده به کمک

طرف مقابل یادآوری و زنده می‌شود)؛

۳. تصحیح دریافت‌ها و تلقی‌ات غیر صحیح و کشف نقاط ابهام و ایراد؛

۴. تعمیق فراگیری و تحکیم آموخته‌ها و دریافت‌ها و رهایی از سطحی‌نگری؛

۱. حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۲۵.

۵. پرورش روحیه نقادی و نقدپذیری و بارور شدن اعتماد به نفس علمی؛
 ۶. تقویت فعالیت‌های استدلالی برای دفاع از یک رأی که زمینه پرورش قدرت اجتهاد است؛
 ۷. کسب توانایی در بیان مقصود (با ورود و خروج موفق و...) و ارائه راه‌های مؤثر در جا انداختن مراد؛
 ۸. الزام به مطالعه و نظم قهری؛
 ۹. تمرین برای تدریس، کسب توانایی در ارائه مطلب و تقویت مهارت‌های کلاس‌داری و مناظره؛
 ۱۰. مرور آموخته‌ها، تثبیت یادگیری و حفظ معلومات؛
 ۱۱. ایجاد سؤالات جدید و فراهم شدن زمینه مطالعات و تحقیقات بعدی؛
 ۱۲. افزایش دقت در مطالب علمی و قدرت تجزیه و تحلیل.
- علاوه بر این، مباحثه به افزایش قدرت بیان و مهارت‌های گفتاری، ایجاد و تحکیم مناسبات گروهی، تقویت جنبه اجتماعی و معاشرتی و کسب ادب مواجهه و تقویت قدرت ارتباط با دیگران نیز می‌انجامد.
- شایسته است یک زمان ثابت برای مباحثه هر درس در نظر گرفته شود به صورتی که فرصت مطالعه کافی و پردازش مطالب وجود داشته باشد و از طرفی خستگی روحی و ذهنی نباشد. ضمناً مباحثه دروس باید پا به پای کلاس پیش رود و دچار عقب‌ماندگی نشود. نیز در مباحثه باید این امور مراعات شود:
۱. آغاز و انجام با یاد و نام خداوند متعال؛
 ۲. حفظ احترام افراد به صورت متقابل؛
 ۳. تواضع در مباحثه (چگونگی حرف زدن، نگاه کردن، و...)
 ۴. خوب به حرف‌های طرف مقابل گوش کنیم و آنگاه:
- نشان دهیم حرف‌هایش را فهمیده‌ایم (سخنانش را چکیده و دسته‌بندی شده تقریر کنیم)؛

- نشان دهیم کجای حرفش را قبول داریم (یا از آن قسمت‌ها دفاع کنیم و یا حداقل به تأیید صرف بپردازیم) و بیان کنیم که کجای حرفش را قبول نداریم؛
۵. بسیاری از مناقشات صرفاً در حیطه الفاظ و قالب‌هاست؛ برای صرفه‌جویی در وقت ساکت باشیم، حرف طرف مقابل که تمام شد، آن را نقد کنیم؛
۶. اگر مخاطب ما متوجه شود که ما برای ردّ سخنانش موضع دفاعی گرفته‌ایم و تنها منتظر اتمام سخنانش هستیم، در بیان و انسجام بخشیدن به سخنان خود توفیق کمتری خواهد داشت؛
۷. در گوش کردن به دیدگاه‌های ابتکاری طرف مقابل از خود شوق نشان داده او را برای جولان فکری بیشتر تشویق کنیم (یکی از علامت‌های عدم تکبر)؛
۸. پرهیز از بروز تشنج در مباحثه (افزایش صوت، تحریک عصبی)؛
۹. تمرکز داشتن کامل روی مطالب (به ویژه مطالب دقیق)؛
۱۰. اتکاء به خود و باور استعداد‌های خداوندی.
- برخی از آفت‌های مباحثه به قرار زیر است:**
۱. خودبزرگ‌بینی و فخرفرشی علمی؛
 ۲. استبداد رأی و استکبار از پذیرش حق؛
 ۳. پرخاشگری و انفعال سریع؛
 ۴. اثرپذیری ناخواسته از اخلاقیات مذموم یکدیگر؛
 ۵. تحقیر و تمسخر (پرهیز از الفاظ تحقیرآمیز مانند این بافتنی‌ها...، توجیه الکی...)
 ۶. خروج از موضوع مباحثه (حاشیه رفتن بیش از اندازه)؛
 ۷. اتلاف وقت و صرف انرژی بسیار در مسائل غیر مهم؛
 ۸. بی‌نزاکتی در مباحثه (دراز کشیدن، الفاظ بی ادبانه، بلند بلند صحبت کردن...)
 ۱۰. خوشمزگی‌های بی‌مورد و جدی نبودن.
- برای داشتن یک مباحثه مفید لازم است این امور مراعات شود:

- شخصی که متکفل آغاز بحث است نباید از پیش تعیین شده باشد.
- در ابتدا بایستی ارتباط منطقی بحث جدید با مباحث گذشته روشن شود.
- نگاهی اجمالی به فهرست مطالبی که قرار است بیان شود صورت گیرد تا افق دید گروه افزایش یابد و مطالب منسجم گردد.
- بعد از بیان فهرست، ارائه تفصیلی مطالب، القای تدریجی هریک و بالاخره رسیدن به اوج بحث صورت می‌گیرد.
- بیان مطالب، بایستی از حفظ باشد یا دست کم از روی یادداشت مختصر در کاغذی کوچک صورت گیرد. هم‌خوانی متن کتاب مباحثه نیست.
- برای ارائه بهتر بحث، مبادی کمک‌کننده به فهم آن یا مثال‌های مناسب، مطرح گردد.
- در مباحثه باید عینک استدلالی به چشم زد؛ هیچ حرفی بدون دلیل معتبر نیست.
- یک هم‌بحث خوب چکشی است برای دیدگاهها و نظرات طرف مقابل تا خوب پخته شود.
- عضو ساکت گروه را با میدان دادن، نظرخواهی و تشویق معقول می‌توان وادار به درگیری فکری کرد.
- در انتها لازم است مباحث مطروحه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شود و بدون اجرای این مرحله، مباحثه ناقص است.
- در لابه‌لای بحث‌ها، نکات بسیار ارزشمندی به دست می‌آید که حتماً بایستی محفوظ بماند راه آن هم این است که با چند کلمه گویا و کوتاه آن را در گوشه‌ای بنویسیم و پس از مباحثه آن را به طور تفصیلی یادداشت کنیم.
- در انتها لازم است مطالب گفته شده بر متن کتاب تطبیق داده شود. برای این کار خوب است شخص دیگری - بدون تعیین قبلی - انتخاب شود.
- برای تقویت متن خوانی، لازم است در این مرحله سخت‌گیری شود.
- در موارد مهم، بررسی یا ارجاع‌های لغوی ضروری است.

- در موارد مقتضی، برای حل مطالب حل نشده و غیرمختومه به کتب تحقیقی معتبر و مبسوط مراجعه شود.
- فعالیت‌های تکمیلی باید بین اعضای گروه تقسیم شود.
- مناسب است استاد خود را از سیر مباحثه و نتایج مهمی که از آن حاصل می‌شود؛ مطلع سازیم.^۱

تفکر

از مراحل فراگیری در حوزه علمیه تفکر است. تفکر بر آموخته‌ها گرچه شاید مانند دیگر مراحل فراگیری ساعت مشخصی نداشته باشد، اما بخشی از فرایند فراگیری است. لازم است طلبه آنچه را آموخته به صورت تعبدی نپذیرد بلکه مطالب را به خوبی بشنود، تحلیل کند و مورد دقت قرار دهد و درباره آن فکر کند؛ اگر برای او ثابت شد بپذیرد و اگر ثابت نشد به استاد اشکال گیرد و کتاب را مورد نقد قرار دهد و بر کتاب حاشیه بزند. بخشی از متون حوزه را حاشیه‌هایی تشکیل می‌دهد که علما بر متون کتاب‌ها زده‌اند. این حاشیه‌ها محصول اندیشیدن در مطالب بوده و حاکی از اهمیت تفکر در تحصیل حوزوی است. شهید مطهری در مورد این ویژگی حوزه علمیه می‌نویسد: عادت طلاب بر این است که روی درسی که از استاد می‌گیرند بعد خودشان فکر کنند. لذا درس خود را از روی کتاب مطالعه می‌کنند. به علاوه بعد با یکی از هم‌درس‌های خود آن درس‌ها را مباحثه می‌کنند. در درس‌های عالی آنچه را از استاد در مجلس درس فرامی‌گیرند به ذهن می‌سپارند و شب می‌نویسند. بنای طلاب بر حفظ کردن و طوطی‌واری یاد گرفتن نیست - چنان که عادت معمول محصلین جدید است - بر تعمق و تفکر و تجزیه و تحلیل است.^۲

۱. در تدوین این بخش از جزوه «مباحثه» اثر سید جلال جمالی بهره گرفته‌ایم.

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۴۸۸.

پژوهش

پژوهش مرحله دیگری از فرایند یادگیری در حوزه است. طلبه از ابتدای تحصیل با تحقیق و پژوهش متناسب با سطح علمی خود آشنا می‌شود و در ادامه وقتی وارد مراحل بالاتر می‌شود این تحقیقات، علمی‌تر و نهادینه‌تر انجام می‌شود.

نگارش

مرحله دیگر از فرایند یادگیری، مرحله نگارش است. نگارش یا همان نوشتن و مکتوب نمودن دروس، مرحله‌ای است که پس از مراحل گذشته انجام می‌شود. نگارش انواع گوناگونی دارد. در یک تقسیم بندی نگارش به «یادداشت برداری در کلاس، نوشته تفصیلی، نوشته کدوار» تقسیم می‌شود. در اینجا هر کدام از این موارد به اختصار توضیح داده می‌شود.

یک: یادداشت برداری کلاسی

قلم به دست داشتن در کلاس درس، ضرورت تحصیل است. بدون قلم کار تعلیم و تعلم ناقص است و عمده فرصت آموزش هدر می‌رود. خدای متعال در اولین کلمات خود به نبی مکرم ﷺ اهمیت قلم و جایگاه آن را در آموختن گوشزد فرموده است: الذی علم بالقلم.

برای نوشتن در کلاس با سه نوع عملکرد مواجه هستیم:

برخی در کلاس درس هیچ یادداشتی ندارند، حتی گاهی ابزار نوشتن به همراه نمی‌آورند؛ گویا در یک جلسه سخنرانی عمومی یا نماز جمعه شرکت کرده‌اند! البته در این موارد نیز شایسته است وسیله نوشتن همراه باشد که در صورت نیاز یادداشت شود. مهم‌ترین اشکال این نوع عملکرد این است که مطالب افزوده استاد نوعاً فراموش می‌شود و دسترسی به آن از بین می‌رود.

برخی هرچه استاد در کلاس مطرح می‌کند از ابتدا تا انتها مانند یک خبرنگار حرفه‌ای

یادداشت می‌کنند؛ این روش نیز اشکالاتی دارد. از جمله اینکه این یادداشت‌ها به مرور حجم زیادی پیدا می‌کند و همین امر باعث می‌شود که استفاده از آن‌ها سخت و زمان بر باشد. از سوی دیگر توجه زیاد به نوشتن کم کم تمرکز طلبه را نسبت به اصل مطالب استاد کم می‌کند و تمام انرژی او را صرف یادداشت می‌نماید. همچنین طلبه کم کم نسبت به فهم همراه با نوشتن شرطی می‌شود یعنی تا یادداشت نکند نمی‌تواند مطلبی را یاد بگیرد و تا ننویسند نمی‌تواند تمرکز پیدا کند و اگر یک جلسه به هر دلیل امکان نوشتن نباشد از درس استفاده‌ای نمی‌کند.

روشی که توصیه می‌شود این است که طلبه در کلاس درس آمادگی یادداشت و ابزار آن را داشته باشد؛ اما گزیده نویسی کند. یعنی خلاصه‌ای از نکات استاد را به صورت فشرده و گویا بنویسد. همچنین مطالب یا مثال‌هایی که استاد فراتر از کتاب مطرح می‌کند و در تکمیل و تعمیق درس مؤثر است یا ارجاعاتی که استاد نسبت به درس‌ها و صفحات دیگر کتاب می‌دهد یا منابع دیگری که معرفی می‌کند یادداشت شود.

دو: نوشته تفصیلی

نوع دیگر نگارش، نوشتن تفصیلی است این نوع نوشتن که بعد از کلاس، مطالعه و مباحثه انجام می‌گیرد یک نوشته جامع و کامل است. محتوای این نوشته را موارد ذیل تشکیل می‌دهد:

۱. مطالب درس: برای این قسمت مطلوب است که طلبه بعد از اینکه درس را به خوبی فراگرفت مطالب آن را با بیان و قلم خود به صورت دسته بندی شده و منظم بنویسد و از عین عبارات کتاب یا ترجمه تحت اللفظی آن جز در موارد نیاز اجتناب ورزد.
۲. مطالب استاد: مطالب افزوده‌ای که استاد در کلاس بیان کرده به عنوان مطالب تکمیلی به صورتی متمایز از مطالب اصلی کتاب نوشته شود.

۳. مطالب منابع دیگر: مطالبی که در منابع دیگر - طبق معرفی استاد یا مراجعه شخصی - پیدا کرده است و به نظر مفید می‌آید بخش دیگری از نوشته تفصیلی را تشکیل می‌دهد. البته در استفاده از منابع دیگر و انتقال به نوشته تفصیلی باید از افراط اجتناب کرد و از نظر اساتید بهره گرفت.

۴. آرای شخصی: مطالبی که به ذهن خود طلبه برسد و در هیچ کدام از موارد فوق نباشد بخش دیگری از نوشته تفصیلی را تشکیل می‌دهد که باید به صورت متمایز معلوم گردد.

در این بخش لازم نیست طلبه به صحت نظرات خود اطمینان کامل داشته باشد بلکه به صورت نظریدوی ثبت گردد؛ چه بسا همین مطالب در آینده منشا تفکرات جدید و مطالب تازه گردد و برای دیگران نیز قابل استفاده باشد.

سه: خلاصه‌نویسی

این نوع نگارش در پایان همه مراحل قبل (پیش مطالعه، حضور در کلاس، یادداشت بردای کلاسی، مطالعه پس از درس، مباحثه، نوشتن تفصیلی) انجام می‌گیرد و در واقع نتیجه همه مراحل قبل می‌باشد و عصاره بحث به شمار می‌رود. این خلاصه باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱. دارا بودن مطالب اصلی و ارکان مباحث درس؛

۲. قابلیت یادسپاری سریع و آسان؛

۳. اختصار؛

۴. قابلیت انتقال مطالب اصلی.

مهم‌ترین فایده خلاصه‌نویسی فراهم‌سازی امکان مرور ماهانه، دو ماهانه، فصلی، نیم‌سالی و سالانه مطالب اصلی یک علم است.

از مشکلاتی که بسیاری از طلاب با آن مواجه هستند این است که حجم مطالب

آموزشی زیاد و عمده مطالب فرّار است و ماندگاری زیادی در ذهن طلبه ندارد. بنابراین با اینکه طلبه هنگام تحصیل، مطالب را به خوبی فرامی‌گیرد اما بعد از مدت کوتاهی آنها را فراموش می‌کند و برای به کارگیری آن نیاز به مراجعه دارد. در بیشتر موارد این مراجعات مشکل و طاقت فرساست و به مرور او را دچار یاس و دلسردی می‌کند. این مشکل برای استعداد های خوب هم اتفاق می‌افتد و علاوه بر پیامدهای علمی، پیامدهای روحی فراوانی نیز دارد. خلاصه نویسی درس‌ها بهانه و وسیله‌ای برای مرور، یادسپاری و انتقال آنها به حافظه درازمدت است.

بهترین زمان برای خلاصه نویسی درس‌ها، آخر هفته و پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها است. در واقع فرد با این روش، هم مباحثی را که در طول هفته یاد گرفته، مرور می‌کند و هم آموخته‌های خود را با خلاصه نویسی سامان می‌دهد و نیز زمینه را برای مرورهای ماهانه و دوره‌ای آماده می‌کند.

تکرار

با تکمیل مراحل گذشته، امر آموزش تقریباً انجام یافته است؛ اما این آموخته‌ها برای تثبیت و ماندگاری نیاز به تکرار و مرور بیشتر دارند. اهمیت دوره و تکرار دروس تا حدی است که گفته‌اند: «الدرس حرف و التکرار الف».

بدون تکرار فرایند آموزش نیمه‌تمام و ناقص است؛ زیرا ساختار ذهن ما برای دریافت کامل مفاهیم و گزاره‌ها و نیز نگه‌داری آن نیازمند چند نوبت برخورد و درگیری با آن است. یک مطلب تنها در صورتی امکان باقی ماندن در ذهن ما را دارد که چند بار مرور شود و ذهن ما را به خود مشغول سازد. برای فهمیدن و یادسپاری محتوای کتاب، یک بار مطالعه آن به هیچ وجه کافی نیست و اگر پاره‌ای از کتاب‌ها این چنین به نظر نمی‌رسد تنها به خاطر زمینه‌های ذهنی‌ای است که از مطالعه کتب

مشابه یا مواجهه با گزاره‌های مشابه قبلی پدید آمده است. همه ما تجربه کرده‌ایم که مطالعه دوباره یک کتاب یا مقاله از مطالعه اولیه آن، مفیدتر بوده و ما را با زوایای مطلب بیشتر آشنا می‌سازد، همان‌گونه که درک کامل پیام یک سخنرانی یا فیلم نیازمند تکرار و تجدید نظر است.

تکرار و دوره مطالب چند اثر مهم دارد:

الف) فهم عمیق: تسلط بر محتوا و فهم عمیق مباحث علمی جز در سایه مراجعه مکرر امکان‌پذیر نیست. برای توصیف یک خیابان باید چند بار در آن قدم بگذاریم و جزئیات و کلیات آن را به دقت مرور کنیم؛ برای اشراف و احاطه بر یک کتاب هم لازم است چند بار آن را مطالعه نماییم. این انتظار که مباحث یک کتاب علمی یکبار به فضای ذهن ما منتقل شود از ابتدا نابخاست و با ساختار ذهنی ما سازگار نیست. به همین جهت است که تا هنگامی که چند بار بحث را دوره نکنیم توانایی «دفاع جدی از آن» یا «ارائه دقیق آن» را نداریم.

با مرور مطالب یک کتاب، آرام آرام از جزئیات، توضیحات افزوده، مثال‌ها، شواهد و بحث‌های بی‌فایده فاصله می‌گیریم و افق دید ما نسبت به محتوا بالاتر و زاویه نگاه، گسترده‌تر می‌گردد و پیام‌های پراکنده کتاب به وحدت می‌رسد. هرگاه شهر را از فراز بامی بلند یا درون هواپیما مشاهده کنیم نسبت‌ها و روابطی را کشف می‌کنیم که از درون شهر دریافت آنها بسیار دشوار است؛ مثلاً می‌یابیم خیابان الف برفلان خیابان عمود است و با کوچه دیگر موازی، مسجد شهر در شمال و مدرسه در جنوب قرار دارد، وسعت پارک چند مرتبه کمتر از وسعت دانشگاه است، ترافیک در کدام میدان مشکل‌ساز شده و... درک این پدیده‌ها پس از چشم‌پوشی از جزئیات است و در عین حال آشنایی کامل با شهر، وابسته به این آگاهی‌هاست و وحدت شهر این‌گونه قابل درک است.

از این‌رو برای فهم بهتر یک کتاب مناسب است آن را خلاصه نماییم و برای

تلخیص کتاب ناگزیر باید آن را چند بار مرور نمود. اگر خلاصه تهیه شده نیز چند بار مطالعه شود فرایند آموزش بسیار غنا می یابد.

کتاب درسی، از آنجا که جزء به جزء و پراکنده تدریس می شوند بیش از کتاب های دیگر محتاج تکرار و مرورند. رشته انسجام مطالبی که در جلسات متعدد ارائه شده تنها با تأمل و نگاه مجدد کشف می شود. شاگرد هر قدر تلاش کند مطلب هر درس را به اندازه استاد نمی فهمد، زیرا استاد روابط این بحث را با بحث های دیگر می بیند ولی شاگرد این درس را بدون پیوند با مطالب دیگر نمی نگرد. به همین جهت توصیه شده قبل از مطالعه کتاب در آغاز، فهرست آن به طور کامل ملاحظه و سپس متن کتاب یک بار به سرعت و بار دیگر به دقت مطالعه شود تا احاطه بر کلیت مباحث نیز به دست آید. از باب مثال می توان احاطه بر یک علم را به پیدایش یک بنای چند طبقه تشبیه نمود. برای ایجاد یک ساختمان ابتدا اسکلت فلزی آن را از طبقه اول تا آخر فراهم می نمایند سپس از طبقه اول تا آخر سقف و دیوار می زنند. آنگاه از طبقه اول تا آخر به سفیدکاری می پردازند و مراحل بعدی نقاشی، سیم کشی، لوله کشی و... انجام می گیرد و این تصور که با ساختن هر دیوار آن را گچکاری و نقاشی نماییم و سپس به ساختن دیوار دیگر مشغول شویم بیشتر به فکاهه شبیه است. همین مسأله در تحصیل دانش ها نیز وجود دارد و به همین سبب، آموزش هر علم در چند حلقه متوالی از اجمال به تفصیل انجام می شود. مثلاً کتاب اول در علم فیزیک به ذکر جزئیات و مطالب دقیق نمی پردازد ولی در کتاب بعدی هر بحث، فرجه ترو کامل تر عرضه می شود.

ب) یادسپاری مطالب: پس از درک کامل پیام، برای به خاطر نگهداشتن آن نیز باید آن را تکرار نمود و بدون تکرار، ثبت آموخته ها در ذهن امکان پذیر نیست.

ج) ایجاد باور راسخ و تصدیق: تکرار و مرور یک گزاره، به تدریج آن را در ذهن، استوار نموده و اعتقاد راسخ به آن تولید می نماید. حتی مطالب غیر واقعی و بدون

برهان را هم با مرور و تکرار می‌توان القا نمود و این آفت مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. برای گسترش یک شایعه یا دروغ بزرگ کافی است آن را به بیان‌های مختلف تکرار نمود تا به صورت خبر متواتر تلقی شود. راز تأثیر تبلیغات براذهان نیز همین است. به جهت همین ویژگی توصیه می‌شود که در انتخاب مجاری سالم علمی و مباحث مطمئن نظری از ابتدا دقت کافی به عمل آوریم. هر کتابی را نخوانیم و به هر سخنی گوش نسپاریم.

هر بار مطالعه، به تشکیل یک بنای علمی در صفحه ذهن مایاری می‌رساند و هیچ‌گاه اثر آن از بین نمی‌رود - هر چند به کلی فراموش شود - این مطالعه اگر به چند مشابه خود ضمیمه گردد، یک ساختار کامل علمی را تشکیل می‌دهد که به زودی فرو نمی‌ریزد و محو نمی‌شود. لذا نه می‌توان توقع داشت که با یک بار مطالعه به نتیجه کامل دست یابیم و نه شایسته است به بهانه اینکه مطالعه ما اثری ندارد، از آن چشم‌پوشی کنیم. هر بار مطالعه، فقط به اندازه یک بار مطالعه اثر دارد و نه بیشتر؛ اما اثر آن حتمی و مسلم است.

گونه‌های تکرار: تکرار گاهی به صورت قهری و بی‌اختیار صورت می‌گیرد و گاهی از سر توجه و اراده. اگر یک مطلب، بسیار جذاب و بدیع باشد و در شرایط آماده (و به تعبیر شهید صدر رحمته‌الله)، در ظرف مؤثر) برانسان عرضه شود ذهن انسان به جهت علاقه مندی شدید به آن، چندین مرتبه به سراغ آن می‌رود و آن را بازخوانی می‌کند. مثلاً کسی که لطیفه شیرینی را می‌شنود، یک بار پس از خروج از جلسه آن را به یاد می‌آورد و از تصور آن لبخندی می‌زند و یک بار با ورود به منزل، آن را برای اعضای خانواده تعریف می‌کند. شب هنگام، قبل از خوابیدن و بامدادان پس از بیدار شدن چند مرتبه آن را مرور می‌کند و پس از چندی نیز به مناسبتی دیگر این لطیفه در ذهنش حاضر می‌شود. این همه، تقریباً بدون اراده و انگیزه تفصیلی انجام می‌گیرد. ولی در اثر این تکرار، آن لطیفه ثابت می‌شود و از آفت فراموشی نجات می‌یابد.

پیامی که در یک نمایشگاه به زبان گویای هنر در ذهن آدمی نقش می‌بندد، در موقعیت‌های دیگر ناخودآگاه به یاد می‌آید. به طور کلی مهم‌ترین نقشی که هنر ایفا می‌کند، همین جذابیتی است که موجب تجدید مکرر خاطره و در نتیجه، تثبیت پیام در ذهن می‌شود. اکنون به خوبی درمی‌یابیم که چرا مطالب مورد علاقه خود را بهتر و سریع‌تر یاد می‌گیریم. در واقع مراحل تکرار این مطالب به طور خودکار و بدون توجه انجام می‌شود.

هرگونه اعمال ذوق، سلیقه و هنر که مطالب علمی را جذاب‌تر یا شگفت‌تر جلوه دهد به یادگیری کمک می‌کند. هنر معلمان موفق، ایجاد ظرف مؤثری است که یادگیری را بر شاگردان تسهیل می‌نماید.

برای تکرار ارادی نیز باید برنامه‌ریزی نمود. سرشت تنوع‌طلب آدمی تحمل تکرار را برای انسان سخت می‌سازد و انسان به سبب همین طبیعت زودرنج از دوره و مرور کتاب می‌گریزد. رغبت و انگیزه ما برای مطالعه کتب جدید به مراتب بیش از دوره و مرور کتب قبلی است. ولی لازم است با توجه به ضرورت تکرار، به شیوه‌های مختلف به این مهم اقدام نماییم. اگر چرخه آموزش (پیش مطالعه، کلاس درس، مطالعه پس از درس، مباحثه و...) را کامل کنیم چند نوبت تکرار حاصل شده است. می‌توان به بهانه تلخیص یا تدریس، مراحل تکرار را کامل نمود. یا با ارائه بحث در نشست‌های دوستانه به این هدف رسید.

مطالعه کتب دیگری که در موضوع مورد نظر ما نوشته شده، شگرد دیگری است که نیاز ما را به تکرار، فراهم و روح تنوع‌جوی ما را نیز ارضا می‌نماید. خلاصه آنکه برای تکرار باید برنامه‌ریزی و طراحی کرد تا به تدریج «حاصله فراگیری» در وجود ما افزایش یابد و «روح تنوع‌جو» اندکی مهار شود.

پژوهش‌گرا بودن

از ویژگی‌های نظام آموزش حوزه، پژوهش‌گرایی است. طلبه از همان سال‌های آغازین در کنار تحصیل، به فعالیت‌های پژوهشی نیز می‌پردازد و با روش تحقیق کارآمد از منابع معتبر آشنا می‌گردد؛ یعنی علاوه بر متون درسی رسمی به منابع دیگر نیز مراجعه می‌کند و اطلاعات خود را گسترده می‌سازد تا با تجزیه و تحلیل این اطلاعات به داوری برسد. این رویه در دوره درس خارج به نقطه اوج خود می‌رسد؛ یعنی اساساً حضور در درس خارج و موفقیت در آن وابسته به تلاش تحقیقی فراوان و مراجعات مکرر به منابع علمی متعدد است.

ارتباط تنگاتنگ علوم در حوزه

از دیگر ویژگی‌های نظام آموزشی حوزه، ارتباط تنگاتنگی است که علوم حوزوی با یکدیگر دارند و طلبه در اوج تحصیل خود که تحصیل فقه و کسب درجه اجتهاد در علم فقه می‌باشد نیاز به همه علوم دارد و در صورتی می‌تواند توفیق داشته باشد که بر علمی که در گذشته فراگرفته تسلط داشته باشد.

برای روشن‌تر شدن به دروس دوران دبیرستان توجه کنیم: ممکن است یک دانش‌آموز به هر علت در درس جغرافی ضعیف ولی در درس ریاضی قوی باشد. فراگیری جغرافی تأثیری در فراگیری ریاضی ندارد.

اما در حوزه این‌گونه نیست و علوم حوزوی نوعاً به هم آمیخته و وابسته‌اند. اگر کسی در فراگیری صرف با مشکل مواجه گردد در علم نحو نیز مشکل خواهد داشت. مشکل در صرف و نحو به منطق و فقه و اصول نیز سرایت خواهد کرد و مشکل در این علوم به تحصیل فقه نیز آسیب می‌رساند.

توجه به ارتباط تنگاتنگ علوم حوزوی با یکدیگر حین تحصیل می‌تواند آن را هدفمند و توفیق‌تحصیلی طلبه را بیشتر کند.

استمرار تحصیل

این حدیث نبوی ﷺ شریف «ز گهواره تا گور دانش بجوی»^۱ را بارها شنیده‌اید. از موارد کاربرد این فرمایش، کسب دانش در حوزه‌های علمیه است. دانش‌اندوزی در حوزه پایانی ندارد و طلاب علوم دینی هیچ وقت فارغ‌التحصیل (به معنای دانشگاهی آن) نمی‌شوند. بالاترین اساتید حوزه - یعنی علمای بزرگ و اساتید سطوح عالی - علی‌رغم سن و سال بالا از تمام عمر با برکت خود برای تحصیل و تعلیم استفاده می‌کنند.

امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

لَنْ يُحْرَزَ الْعِلْمُ إِلَّا مَنْ يُطِيلُ دَرَسَهُ؛^۲

کسی به (حقیقت) علم دست نمی‌یابد مگر آنکه درس آموزی اش در مدتی طولانی باشد. البته تحصیل علم گاهی با حضور مستقیم در کلاس درس است و گاهی با مطالعه، تحقیق و تفکر. یکی از شاگردان شهید صدر رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ دربارهٔ ایشان چنین می‌نقل می‌کند: متعارف بود که شهید صدر در مسیر خانه و مسجدی که در آن درس می‌گفت، مباحث آن روز و نیز چگونگی عرضه و بیان آن را در ذهن خویش مرور می‌کرد. ایشان به برخی از شاگردان که هنگام عبور و مرور این طرف و آن طرف را نگاه می‌کردند اعتراض می‌کرد که چرا فرصتی را که در حال راه رفتن دارید ضایع می‌کنید و مسأله‌ای را در ذهنتان حل‌جی نمی‌کنید و به راه حلش نمی‌اندیشید، شاید به راه حلی برسید.^۳

آیت الله شیخ جواد تبریزی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از مراجع تقلید می‌فرمودند:

۱. اطلب العلم من المهد إلى اللحد. (پابنده، نهج الفصاحه، ص ۲۱۸)

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم، حدیث ۵۵۳.

۳. جعفری، صدر شهادت، ص ۳۳ به نقل از آیت الله محمدعلی تسخیری.

من چهل سال است معنای تعطیلی را نفهمیده‌ام.^۱

دوران تحصیل در حوزه‌های علمیه طولانی است. این موضوع باعث می‌شود که طلبه در فضای تحصیل برای خود آفاق دوری را می‌نگرد و خود را برای سالیان طولانی آماده می‌کند، با نگرشی متاملانه و متعمقانه، با موضوعات درسی برخورد می‌کند، از ساده‌انگاری و شتاب‌های مضر دور می‌ماند، ریاضت علمی پیشه می‌کند و خود را برای راهی دور و دراز آماده می‌سازد.

رابطه اخلاقی و معنوی میان استاد و شاگرد

نظام آموزشی حوزه بر محور استاد - شاگرد استوار است و این رابطه رابطه‌ای اخلاقی - معنوی است؛ یعنی از یک سواستاد تدریس را شغل خود و راهی برای امرار معاش نمی‌داند و با عشق و علاقه در حق طلبه پدری می‌کند و از سوی دیگر شاگرد به اجبار و تحمیل یا از سرناچاری حضور استاد را تحمل نمی‌کند، بلکه از صمیم جان به او ارادت می‌ورزد و در امور مختلف زندگی از او راهنمایی و مشورت می‌گیرد، و تا پایان عمر قدرشناس و سپاسگزار و دعاگوی او می‌ماند و یاد و نام او را گرامی می‌دارد. با اتمام آموزش نزدیک استاد، شاگردی طلبه پایان یافته تلقی نمی‌شود؛ بلکه تا واپسین دم، ادب شاگردی به جا می‌آورد و از بزرگداشت و تواضع، دریغ نمی‌ورزد و مرتبت خود را هر چند والا، مانع از تجلیل استاد نمی‌داند. این رویه برآمده از تعلیماتی است که از اولیای دین علیهم‌السلام درباره قداست علم و احترام معلم رسیده است.

در حوزه‌های علمیه، روابط استاد و شاگرد رابطه بین مربی و متربی است. اغلب استادان کمی پیش از ارائه درس و نیز زمانی بعد از آن در محل درس می‌مانند و به سؤالات طلاب علمی، مشکلات درسی و ابهام‌های درس و نیز به مسائل شخصی و

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مرحوم آیت‌الله شیخ جواد تبریزی، بخش زین‌طلبگی، عنوان مثل خستگی ناپذیری،

زندگی طلاب پاسخ می‌دهند و مشکلات آنان را برطرف می‌کنند.

انتخابی بودن استاد

از ویژگی‌های نظام آموزشی حوزه انتخابی بودن استاد می‌باشد. انتخابی بودن استاد باعث می‌شود طلبه براساس معیارهای مورد نظر خود استاد را انتخاب کند و با شور و اشتیاق بیشتری به تحصیل بپردازد. بدیهی است هرچه تحصیل همراه با عشق و علاقه بیشتری باشد نتایج بهتری نیز به دست می‌آید.

دایره انتخاب استاد در حوزه علمیه قم در سطوح عالی بسیار وسیع تر از مراکز دیگر است. گاهی یک ماده درسی توسط بیش از ۱۰۰ استاد ارائه می‌شود و طلبه از این میان، استاد مورد نظر خود را انتخاب می‌کند. این در حالی است که در برخی مراکز دیگر این انتخاب آزادانه وجود ندارد و انتخاب استاد اختیاری - اجباری! است؛ یعنی دایره انتخاب به قدری محدود است که گویا اجباری است.

تدریس در کنار تحصیل

یکی از سنت‌های رایج در حوزه‌های علمیه که از قدیم، مورد توجه بوده، تدریس در کنار تحصیل است. طلبه به صورتی درس می‌خواند که بتواند متن آموزشی خوانده شده را پس از آموختن تدریس کند. از این رو همواره در حوزه کسانی هستند، که هم زمان به تحصیل و تدریس اشتغال دارند.

این امر علاوه بر آنکه موجب یادآوری دروس پیشین است، موجب فهم عمیق مطالب گذشته و رفع اشکالات احتمالی نیز می‌گردد. یکی از ویژگی‌های خاص حوزه برقراری کلاس‌های خصوصی حتی در حد یک شاگرد است و این مساله که از اصل اسلامی «زکات علم نشر آن است» سرچشمه می‌گیرد در میان حوزویان متداول است.

فراهم آمدن زمینه برای بروز توانمندی‌های علمی، از ثمره‌های تدریس در کنار تحصیل است.

توجه به زبان عربی به عنوان زبان مرجع

دو خاستگاه اصلی علوم حوزوی یعنی قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام به زبان عربی است. به همین دلیل این زبان به عنوان زبان مرجع، همواره مورد توجه حوزویان بوده است. اهمیت این زبان برای کسی که تصمیم به آموختن علوم حوزوی دارد تا آنجاست که بدون فراگیری آن، نمی‌توان دانش‌های حوزوی را فراگرفت؛ زیرا علاوه بر متن قرآن و احادیث، بیشتر کتاب‌های درسی به زبان عربی است. بدیهی است که بدون تسلط بر این زبان، امکان رشد علمی و نهایتاً دستیابی به مقام «اجتهاد» وجود ندارد.

تعقل‌گرایی و استدلال محوری

نظام آموزشی حوزه، تعقل‌گرا و استدلال‌محور است. هر آموزه‌ای که استاد به شاگرد ارائه می‌دهد، شاگرد می‌تواند دلیل آن را مطالبه کند؛ تا براساس آن، درستی مطلب ثابت شود و در نتیجه شاگرد با تحلیل عقلی، آن را بپذیرد؛ اعم از اینکه گزاره مورد نظر در حوزه امور تعقلی باشد و دلیل عقلی بطلید، یا در حوزه امور شرعی و تعبدیات باشد و دلیل تعبدی شرعی بطلید. این رویه، طلبه را دلیل‌محور و استدلالی تربیت می‌کند.

متن محوری

نظام تعلیمی حوزه در دوره مقدمات و سطح، متن‌محور است و اولین گام برای طلبه، کسب توانایی فهم درست متن است. تألیف شروح متعدد بر کتاب‌های درسی، حاکی از اهتمام حوزه‌ها به متون درسی است. این متون تألیف استادان برجسته حوزه‌ها بوده و غالباً پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی دارد که مدرّسان در هنگام درس تبیین می‌کنند؛ به گونه‌ای که ورزیدگی استاد را با همین شرح و رفع ابهامات و دشواری‌های متن می‌سنجند، هم‌چنان‌که برای سنجش رتبه علمی طلبه نیز توانایی او را در توضیح این متون ملاک قرار می‌دهند. حتی گاهی بخشی از درس‌های عمیق خارج فقه و اصول نیز به تبیین نکته‌هایی از متون اختصاص می‌یابد.

استفاده از روزهای تعطیل

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، در نظام آموزشی و تربیتی حوزه تعطیلات به معنای دست‌شستن از درس و بحث و یادگیری، معنا ندارد و طلاب علوم دینی همیشه و همه‌جا در صدد یادگیری و توسعه دانش و مهارت‌های خود هستند. برای مثال، از فرصت تعطیلات آخر هفته برای تقریر و خلاصه‌نویسی، مرور درس‌ها، جبران ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌ها، پیش‌مطالعه درس‌های هفته آتی، مطالعات

روایی، تفسیری و تاریخی و نیز یادگیری مهارت‌های زندگی بهره می‌برند. انجام امور شخصی (استحمام و نظافت و...)، سرکشی به والدین و بستگان و یا تماس تلفنی با آن‌ها و انجام فعالیت‌های ورزشی و تفریحی نیز از جمله اموری است که بخشی از اوقات آخر هفته را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از برنامه‌های روزهای تعطیل در برخی حوزه‌ها، برگزاری جلسات هفتگی تعلیم و عظ و خطابه است؛ زیرا یکی از اهداف مهم آموزش حوزوی ورود طلبه به عرصه و عظ و ارشاد است. در این جلسات، معمولاً چند تن از پیش‌کسوتان امر تبلیغ حضور دارند و طلاب جوان، با ارائه خطابه در جمع، از تجربه این افراد بهره می‌برند، توانایی‌های خود را می‌آزمایند، کاستی‌های آن را می‌شناسند و برای رفع آن اقدام می‌کنند.

به علاوه، نوع موضوعات مناسب برای ایراد خطابه‌های عمومی، به گونه‌ای که هم آگاهی عموم را در حوزه معرفت دینی بیفزاید و هم به اقتضائات عصری التفات داشته باشد، نیز در همین جلسات به طور طبیعی بررسی می‌شود.

علاوه بر جمعه‌ها و بخشی از فصل تابستان، در برخی مناسبت‌ها نیز دروس رسمی حوزه تعطیل است. از پایه هفت یعنی آغاز سطح دو، ماه رمضان، نیمه اول محرم و نیمه آخر ماه صفر و ایام فاطمیه نیز دروس تعطیل می‌شود تا طلاب برای تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی به مناطق مختلف سفر کنند. طلاب فاضل می‌کوشند از ایام تعطیل علاوه بر ارتباطات مردمی و تبلیغ پیام دین برای اشتغالات علمی غیررسمی نیز استفاده کنند.

برنامه‌ریزی روزانه نه هفتگی

در مدارس راهنمایی، دبیرستان و حتی دانشگاه برنامه‌ریزی آموزشی به صورت هفتگی است. در هر هفته یک یا دو جلسه ریاضی، یک جلسه فیزیک و...، اما در نظام آموزشی حوزه علمی برنامه‌ریزی آموزشی روزانه است؛ یعنی طلبه برای هر روز خود چند درس انتخاب می‌کند و درس‌ها در ادامه درس‌های روز قبل و در همان ساعت، برگزار می‌شود. مثلاً در طول سال هر روز ساعت ۸ تا ۹ برای درس خاصی در نظر گرفته شده است.

شاید به ذهن آید که این روش خسته‌کننده است و ممکن است فرد نتواند با این برنامه هماهنگ شود؛ اما اتفاقاً با برنامه روزانه، امکان ارتباط بیشتر با علوم فراهم می‌شود. چه بسا یکی از آفت‌های نظام‌های آموزشی دیگر این باشد که با فاصله‌ای که بین درس‌ها وجود دارد امکان استفاده وافی و ارتباط مؤثر با درس‌ها فراهم نمی‌شود.

سطوح علمی حوزه

یکی از پرسش‌های شایع در میان جوانان پرسش از سطوح علمی حوزه‌های علمیه است. اینکه مقاطع تحصیلی در حوزه چگونه است و مدارک علمی در چه زمانی ارایه می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش نخست اشاره‌ای به دورنمای برنامه تحصیلی حوزه علمی می‌شود و در ادامه توضیحاتی در مورد مدارک علمی حوزه علمی ارایه می‌گردد.

دورنمای برنامه تحصیلی

برنامه آموزشی کنونی در حوزه مشتمل بر دو بخش است: یک بخش برنامه آموزشی عمومی و بخش دیگر برنامه‌های خاص گرایش‌های تخصصی که نوعاً در مراکز و مؤسسات وابسته برگزار می‌شود. برنامه عمومی برای همه طلاب الزامی و برنامه

تخصصی اختیاری است. ورود به مراکز تخصصی نوعاً پس از شش سال تحصیل عمومی - یعنی پایان سطح یک - امکان‌پذیر است؛ اما برنامه‌ی تحصیل عمومی در حین تحصیل تخصصی و به موازات آن ادامه دارد.

نظام آموزشی عمومی حوزه از چهار بخش «مقدمات، سطح یک، سطح دو و سه و خارج» تشکیل شده است. در اینجا به اختصار این بخش‌های چهارگانه معرفی می‌گردد.

مقدمات

در دوره سه‌ساله مقدمات طلبه برخی علوم ادبیات عربی مانند صرف، نحو، بلاغت، لغت را فرا می‌گیرد. علاوه بر این علم منطق، تفسیر، تجوید، تاریخ، ادبیات فارسی، عقاید، اخلاق و... نیز در برنامه‌های آموزشی طلاب قرار دارد. طلبه با پایان دوره سه‌ساله مقدمات، بر زبان منابع دینی - ادبیات عربی - تسلط پیدا می‌کند.

سطح یک

پس از اتمام دوره سه‌ساله مقدمات، طلبه در یک دوره سه‌ساله دیگر با فقه، اصول فقه و کلام در سطح عمومی آشنا می‌شود.

طلبه با اتمام سطح یک، تقریباً بر ادبیات و جغرافیای (ساختار کلی و مسائل) شاخه‌های مختلف علوم پایه اسلامی احاطه یافته و قدرت مفاهمه و مکالمه علمی با دانشمندان علوم اسلامی را به دست آورده است.

توان تازه‌ای که طلبه به برکت شش سال تحصیل حوزوی کسب کرده، به او امکان مطالعه آثار اندیشمندان اسلامی را می‌دهد؛ اما برای پژوهش عمیق در منابع دینی و کسب استقلال نظر، لازم است به حوزه مباحث تخصصی علوم اسلامی راه یابد.

با پایان گرفتن دروس سطح یک، امکان حضور در سطح علی حوزه‌های علمیه فراهم می‌شود و البته امکان حضور در مراکز تخصصی حوزه و نیز دیگر مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته برای طلبه فراهم می‌شود. طلبه می‌تواند پس از انتخاب

یک گرایش تحصیلی از علوم اسلامی (فقه، اخلاق، تفسیر، کلام، تبلیغ، حدیث، و...) یا علوم انسانی مربوط (روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و...) به یکی از این مراکز وارد شده و در کنار دروس عمومی به صورت تخصصی در آن رشته ادامه تحصیل دهد.

زمینه‌های دیگری که با اتمام دوره شش ساله مقدمات و سطح یک برای طلبه فراهم می‌شود امکان تشریف به لباس روحانیت و نیز امکان تبلیغ اندیشه اسلامی می‌باشد.

سطح دو و سه

این سطح، لایه زیرین و مرحله عمیق‌تری از دانش‌های آموخته شده در سطح اول است که طلبه را به موشکافی و دقت نظر کارشناسی در علوم اسلامی عادت می‌دهد. در این دوره در رشته فقه و اصول فقه، که شاخه‌های اصلی علوم حوزوی به شمار می‌رود طلبه به «مشاهده دقیق» فعالیت عالمان بزرگ دین در سطوح پیشرفته می‌پردازد. این مشاهده دقیق، او را برای دریافت ظرافت کار آنها و «جذب» شیوه‌های تحقیق آماده می‌کند.

تحقیق در منابع دینی، روش تاریخی دارد و دانشی شبیه باستان‌شناسی است. باستان‌شناس تلاش می‌کند پس از اطمینان از اصالت کتیبه‌های تاریخی با زبان آن‌ها، مأنوس شود و پیام آنها را کشف، به زبان روز ترجمه و برای دیگران بازگو کند. فقیه نیز به کاوش عمیق در اسناد و مدارک باستانی ۱۴۰۰ ساله - قرآن و حدیث - می‌پردازد و با روش تحقیق تاریخی تلاش می‌کند از اصالت آنها مطمئن و به پیام آن نزدیک شود. پیام این مدارک، پیام خداست که به زبان عربی بیان شده است. تحقیق در آن هم نیازمند بررسی‌های تاریخی از قبیل «آشنایی با قواعد مفاهمه عرفی، وادیات عصر صدور پیام، آشنایی با فضا و فرهنگ حاکم بر آن دوره، آشنایی با تحولات تاریخی و فراز و نشیب‌هایی که در گذر ۱۴۰۰ سال پیرامون آیات

و روایات رخ داده و...» می‌باشد.

طلبه اصول استخراج پیام از کتیبه‌های دینی را در علم فقه تمرین می‌کند. ولی همین اصول را در ساحت‌های دیگر (اخلاق، عقاید، علوم انسانی و...) می‌تواند به‌کار گیرد. او با آموختن روش استنباط، مسلح به ابزار اجتهاد می‌شود که امکان استخراج سخن دین و نظر وحی را به صورت روشمند در موضوعات مختلف به او می‌دهد و این مهم‌ترین توانمندی برای عالم دین است.

درس خارج

با وارد شدن به فضای درس خارج، «تمرین استنباط»، جدی می‌شود. طلاب تحت اشراف اساتید، با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های عملی پژوهش به شکل جدی‌تری درگیری می‌شوند و توان علمی و پژوهشی خود را روز به روز ارتقاء می‌دهند. جوانی که به آموختن حرفه‌ای مثل نجاری علاقه دارد مدتی در کنار استاد این فن به «مشاهده دقیق» می‌پردازد. در هفته اول، استادکار برای ساختن میز، تخته‌ها را اندازه می‌گیرد، رنده می‌کند، می‌برد، گم و زبانه می‌دهد، چسب می‌زند، درون یکدیگر می‌کند و با میخ، محکم و پس از آن رنگ آمیزی می‌نماید. هفته دوم همین مراحل را بر اساس طرح دیگرن برای ساختن صندلی اجرا می‌کند؛ اندازه‌گیری، رنده، اره، زبانه، چسب، میخ، و... هفته‌های بعد، استاد همین مراحل را در منظر شاگرد برای ساختن کمد، در و پنجره، تکرار می‌کند. و شاگرد این مراحل را یک‌به‌یک می‌بیند و می‌آموزد. این «مشاهده» برای آموختن نجاری کافی نیست. شاگرد باید هریک از این مراحل را عملاً «تمرین» کند و با فوت و فن آن از نزدیک آشنا شود. شاگرد، که از بیرون گود، اژه کردن و رنده کشیدن را ساده تصور می‌نمود، وقتی خود مستقلاً با اره و رنده و چکش کار کند آرام آرام توانایی نجاری را کسب می‌کند و پس از مدتی تمرین و استقامت به نقطه‌ای می‌رسد که در غیاب استاد می‌تواند سفارش

قبول کند و پاسخ‌گو باشد. در این نقطه، شاگرد می‌تواند تخت خواب بسازد، با این‌که تاکنون ساختن تخت خواب را ندیده است.

اینک آن شاگرد، نجار شده یعنی ملکه این حرفه را به دست آورده است. البته تخت خوابی که این شاگرد در ابتدا می‌سازد با تخت خوابی که استاد او پس از سال‌ها تجربه می‌سازد، از نظر ظرافت، استحکام، زیبایی و کیفیت، بسیار فرق دارد؛ اما در هر صورت به آن، تخت خواب گفته می‌شود و حد نصاب شرایط یک تخت خواب را دارا است. طلبه در دوره سطح، فعالیت فقهای بزرگ را در بررسی‌های فقهی مشاهده می‌کند و با مراحل مختلف استنباط (مراجعه به منابع، بررسی سند، بررسی دلالت، کشف نسبت بین ادله، رفع تعارض‌ها و...) آشنا می‌شود. در درس خارج این اطلاعات را به صورت مستقل البته تحت نظر استاد به کار می‌گیرد و تجربه می‌کند. اگر این تمرین و تجربه با استقامت و به سلامت طی شود طلبه به نقطه‌ای می‌رسد که بدون نیاز به استاد می‌تواند توان استنباطی خود را در مسائلی که تاکنون حل آنها را ندیده، به کار گیرد و تحقیق نوینی عرضه کند.

اینک طلبه صاحب نظر شده یعنی ملکه «اجتهاد» را به دست آورده است. گرچه نمی‌توان انتظار داشت قوت استدلال و شیوه پژوهش او هم‌تراز کار اساتید صاحب تجربه باشد.

اجتهاد یا توان کشف پیام خدا از منابع اصلی، قدرت صیادی و غواصی است که در دریای مسائل فقهی تمرین می‌شود و به دست می‌آید و در دریاهاى دیگر هم قابل استفاده است.

تحصیل تا قبل از درس خارج، «متن محور» است. یعنی از سوی مدیریت حوزه برای هر پایه تحصیلی متون آموزشی ویژه‌ای معین گردیده که استاد، در ضمن تدریس تا حد امکان به آن وفادار باقی می‌ماند و طلبه موظف است در پایان سال همین «متن» را امتحان دهد. با رسیدن به درس خارج، شیوه تحصیل عوض می‌شود. در

فضای درس خارج، استاد، موضوع بحث را از منابع مختلف تحقیق می‌کند و به بررسی و نقد آرای عالمان دیگر در همان موضوع می‌پردازد. درس استاد در چارچوب عبارت و کتابی منحصر نمی‌شود و «خارج» از متن آموزشی معین عرضه می‌گردد. به همین جهت به آن «درس خارج» گفته می‌شود. طلبه موظف است پس از مراجعه به آثار عالمان گذشته، استنباط خود را در مقایسه با پژوهش دیگران به‌بوتۀ داوری گذارد. به گفته برخی از اساتید پنج تا ده سال حضور فعال و پرمحتوا در درس خارج برای دستیابی به اجتهاد کافی است، مشروط بر آنکه اشتغالات متعدد و مزاحم، وقت تحصیلی طلبه را تباه نگرداند.

مراکز تخصصی

در سال‌های اخیر، در کنار دروس حوزوی که به‌طور معمول خوانده می‌شود، زمینه برای تحصیل در رشته‌های تخصصی نیز فراهم شده است. طلابی که مایل به شرکت در رشته‌های تخصصی هستند، پس از آزمون، این دروس را به‌طور تخصصی دنبال می‌کنند. برخی از این رشته‌های تخصصی عبارتند از:

تفسیر و علوم قرآنی، تبلیغ، عقاید و کلام اسلامی، فقه، علوم حدیث، مهدویت، شیعه‌شناسی، امامت، ادیان و مذاهب، تاریخ، حقوق و قضای اسلامی، فلسفه اسلامی، نهج‌البلاغه، روان‌شناسی اسلامی و ...

در مورد مراکز تخصصی تذکر چند نکته ضروری است:

بیشتر مراکز تخصصی طلابی را جذب می‌کنند که سطح یک حوزه (پایه ششم) را با موفقیت به اتمام رسانده‌اند.

ورود طلاب به مراکز تخصصی به معنای فاصله گرفتن طلبه از دروس اصلی حوزه نیست بلکه طلبه باید در کنار تحصیل در دوره عمومی حوزه علمیه در مراکز تخصصی نیز مشغول به تحصیل شود.

در انتخاب رشته تحصیلی و مرکز تخصصی نباید عجله کرد بلکه شایسته است طلبه ابتدا تحصیل مقدمات و سطح یک را به خوبی و با قوت به پایان برساند و در زمان مناسب با استفاده از نظر مشاوران و کارشناسان رشته و مرکز تخصصی را انتخاب کنند که با لحاظ علایق شخصی و نیاز جامعه اسلامی در اولویت باشد. آنچه تا به حال نسبت به تحصیل تخصصی برخی از شاخه‌های علوم اسلامی مطرح گردید گزارشی بود از اتفاقی که الان در حوزه علمیه در جریان است اما نکته قابل توجه اینکه تحصیل تخصصی شاخه‌ای از علوم اسلامی حتماً وابسته به ورود به یک مرکز تخصصی نیست ممکن است طلبه‌ای پس از گذراندن سطح عالی حوزه علمیه و چند سالی تحصیل درس خارج و رسیدن به درجه‌ای از اجتهاد، خودش بر شاخه‌ای از علوم اسلامی متمرکز شود و تخصص لازم را پیدا کند.^۱

تحصیل ارتقایی

از پرسش‌های رایج طلاب، پرسش از تحصیل فشرده و جهشی است. آیا ارتقایی خواندن دروس پیشنهاد می‌شود؟ اگر پاسخ مثبت است از چه زمانی و در چه مقطعی؟ در پاسخ باید گفت: نظام آموزشی حوزه اجازه تحصیل ارتقائی را می‌دهد و چنین فرصتی برای همه طلاب فراهم است. در این رابطه به چند نکته تأکید می‌شود: یکم: در این موضوع نمی‌توان برای همه افراد نسخه واحد تجویز کرد. ممکن است ارتقایی خواندن برای کسی ضرورت داشته باشد و برای دیگری ممنوعیت. بنابراین هر کس باید با بررسی شخصی و مشورت با اساتید در این باره تصمیم بگیرد. دوم: باید اصل را بر تحصیل به صورت معمول گذاشت، مگر اینکه دلیل قاطعی بر تحصیل ارتقایی باشد.

۱. برای اطلاع بیشتر از ضرورت تخصص، پیش‌نیازهای آن، نحوه انتخاب رشته تخصصی و راه‌های شناخت استعداد رک: عالم‌زاده نوری، راه و رسم طلبگی، دفتر پنجم.

سوم: رویکرد طلبه در تحصیل علم باید فهم و تسلط بردروس باشد و به هیچ عنوان گذراندن درس و کسب نمره را هدف نگیرد.

دربارهٔ زمان ارتقای خواندن نیز باید گفت: زمان ارتقای خواندن و درس‌هایی که می‌توان ارتقای خواند بستگی به ویژگی‌ها، شرایط و توان افراد دارد؛ بنابراین هر فرد باید ضمن بررسی توانمندی‌های فردی و شرایط و لوازم مربوط، با اساتید خود و مشاوران مشورت نموده و مسیر صحیح و مطمئنی را انتخاب نماید.

گاهی برخی از طلاب که شرایط و توانایی لازم برای تحصیل ارتقائی را ندارند، در ایام تابستان به این امر اقدام می‌کنند. این گروه، گرچه در اصل «بهره‌برداری از فرصت عمر» و «سخت‌کوشی»، شایسته ستایش‌اند، اما گاهی از گزند دو آسیب، سالم نمی‌مانند:

اول: خستگی فکری و روحی که موجب عدم آمادگی برای ادامهٔ راه، در سال تحصیلی آینده می‌شود؛ برنامه آموزشی یک‌نواخت و پشت سرهم، تحمل انسان‌های معمولی را درمی‌نوردد و دیریا زود، موجب سردرد، کسالت و افسردگی می‌شود. طراوت و اشتیاق در تحصیل، نعمتی است به دست آوردنی که برای نگاهداری آن تلاش باید کرد؛ یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ طراوت و نشاط، تنوع فعالیت‌ها است. علی علیه السلام می‌فرماید:

انْ هَذِهِ الْقُلُوبُ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْإِبْدَانُ فَلْيَبْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛

جان ما آدمیان - همچون تن ما - ملول و خسته می‌شود؛ پس برای آن حکمت‌های جدید و تازه بجویید.

تابستان اگر رنگ و آهنگ پاییز، زمستان و بهار را حفظ کند، از دایرهٔ حوصله ما فرا خواهد گذشت، آنگاه تلاشی که طی چند سال، موجب موفقیت سریع طلبه شده

بود، بر اثر خستگی و فرسودگی یکباره، متوقف خواهد شد.

آسیب دیگر، محروم ماندن از کسب امور لازمی است که در غیر تابستان، فرصت فراگیری آن‌ها نیست؛ طلبه علاوه بر برنامه درسی حوزه، به دانش‌ها و مهارت‌هایی نیاز دارد که خارج از سیستم رسمی حوزه، باید برای پی‌گیری و کسب آن اقدام کند. اکتفا به روند آموزشی حوزه، موجب بقای پاره‌ای از خلأها در شخصیت طلبه و در نهایت ناکارآمدی صنفی خواهد شد.

نظام آموزشی حوزه برای ایجاد دسته‌ای توانمندی‌های اساسی در شناخت دین، طراحی شده است؛ تسلط بر ادبیات عربی، منطق صوری، روش استنباط (علم اصول فقه) و... از جمله این توانمندی‌هاست. ظرف زمانی این آموزش نیز بیش از ۱۵ سال است. طلبه در این سال‌ها، نیازهای فوری دیگری هم دارد که باید با تدبیر هوشمندانه، در پی رفع آن باشد؛ به بیان دیگر، علاوه بر آموزش ماهی‌گیری، به ماهی هم نیاز دارد. برای مثال آشنایی با قرآن و حدیث، برای هر طلبه و بلکه برای هر مسلمان، یک ضرورت است. طلبه در دوره تحصیل خود، مقدمات، ابزار و امکانات آشنایی با قرآن و حدیث را فرامی‌گیرد، همچنین قدرت تجزیه و ترکیب متون، توان مراجعه به کتب لغت، شناسایی منابع، آشنایی اجمالی با علوم قرآنی و علوم حدیث، توان بهره‌گیری از تفاسیر مختلف، تفکر اصولی برای استظهار و استنباط از عبارت، روش فهم متون و...، تجهیزاتی است که طلبه پس از سال‌ها تحصیل در حوزه، آرام آرام آن‌ها را فراهم می‌کند و با داشتن این تجهیزات، می‌تواند بهره خوبی از معارف دین به دست آورد. اما نمی‌توان انکار کرد که هر طلبه - بلکه هر مسلمان - در طول مدت تحصیل، برای زندگی خویش، به آشنایی با محتوای قرآن و حدیث - هر چند در مراتب پایین - نیاز دارد. اگر فرض کنیم که تابستان و زمستان طلبه، به همین دروس متعارف صرف شود، چه زمانی برای تأمین این نیاز باقی خواهد ماند و چگونه این کاستی برطرف خواهد شد؟

همچنین، در روزگار ما، بر طلبه لازم است که در کنار دروس خود، حداقل یک دوره آثار شهید مطهری رحمته‌الله را خوانده باشد؛ این آثار علاوه بر این که طلبه را با گزاره‌های محوری دین آشنا می‌کند، به پاره‌ای از مهم‌ترین پرسش‌های عصر ما پاسخ می‌دهد، توان مواجهه با نسل جوان را به ما می‌آموزد و در حقیقت معاشرت با اسلام‌شناس دردآشنای بصیری چون شهید مطهری رحمته‌الله است. این معاشرت طولانی، به انتقال حساسیت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، روحیات و دستگاه معرفتی آن بزرگ‌مرد می‌انجامد که این مهم برای طلبه بسیار معتنم و حیاتی است.

براین اساس تحصیل ارتقایی جز برای افراد توانمند و در شرایط خاص پیشنهاد نمی‌شود.

مدارک علمی حوزه

مدارک علمی حوزه از سطح یک تا چهار، براساس مصوبه ۳۱۳ شورای عالی حوزه‌های علمیه و مصوبه ۳۶۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر می‌شود و از مزایای علمی و استخدامی هم‌تراز دانشگاهی آن برخوردار می‌باشد. در اینجا به اختصار به معرفی مدارک چهارگانه حوزه علمیه می‌پردازیم.

سطح یک

در صورتی که طلبه دروس کتبی و شفاهی پایه شش را تکمیل کرده باشد، مدرک تحصیلی اتمام سطح یک برای او صادر می‌گردد. این مدرک از کلیه مزایای علمی و استخدامی مدرک «کاردانی» دانشگاه‌ها برخوردار می‌باشد.

سطح دو

در صورتی که طلبه دروس کتبی و شفاهی پایه نه را تکمیل کرده باشد مدرک تحصیلی اتمام سطح دو برای او صادر می‌گردد. این مدرک از کلیه مزایای علمی و استخدامی مدرک «کارشناسی» دانشگاه‌ها برخوردار می‌باشد.

سطح سه

مدرک تحصیلی سطح سه به طلابی اعطا می‌شود که دروس کتبی و شفاهی پایه ده را با حداقل معدل ۱۴ تکمیل کرده و ملبَس به لباس مقدس روحانیت باشند. این طلاب با تدوین پایان نامه سطح سه و کسب نمره قبولی در جلسه دفاعیه، موفق به اخذ مدرک علمی سطح سه خواهند شد.

این مدرک از کلیه مزایای علمی و استخدامی مدرک «کارشناسی ارشد» دانشگاه‌ها برخوردار می‌باشد.

سطح چهار

طلابی که بنا دارند برای ثبت نام مدرک سطح چهار حوزه علمیه اقدام نمایند لازم است علاوه برداشتن مدرک سطح سه، چهارسال سابقه شرکت در درس خارج داشته باشند و در ارزیابی آنان، چهار دوره مصاحبه فقه و چهار دوره مصاحبه اصول با معدل ۱۴ به بالا ثبت شده باشد.

این گروه پس از نوشتن رساله علمی سطح چهار و کسب نمره قبولی در جلسه دفاعیه، موفق به اخذ مدرک تحصیلی سطح چهار حوزه می‌شوند.

این مدرک از کلیه مزایای علمی و استخدامی مدرک «دکتری» دانشگاه‌ها برخوردار می‌باشد.

مدرک تحصیلی

شاید شما هم این سخن را شنیده باشید که مدرک‌گرایی امر پسنندیده‌ای نیست و پیامدهای منفی علمی و غیر علمی فراوانی برای حوزه‌های علمیه دارد. در کنار این سخن شاید به ذهن خطور کند که پس چرا حوزه علمیه به سمت اعطای مدرک رفته؟ آیا بهتر نبود مانند گذشته طلبه‌ها بدون مدرک درس بخوانند و توجهی به مدرک نداشته باشند؟

برای روشن شدن این مطلب توضیحی در مورد اصل ورود مدرک به حوزه علمیه ارایه می‌شود شاید برخی از مطلب روشن شود.

در اوایل انقلاب برخی از ادارات و نهادهای انقلابی نسبت به جذب برخی از طلاب و روحانیون اقدام نمودند و از وجود آنها در برنامه‌های فرهنگی و آموزشی بهره‌مند می‌شدند. آن مراکز هنگام بستن قرارداد برای تعیین میزان حقوق، از حوزه علمیه استعلام کردند. در آن زمان براساس محاسباتی، میزانی از دروس حوزوی، معادل مدارک دانشگاهی قرار داده شد.

کم‌کم این استعلام‌ها افزایش پیدا کرد و حوزه به ناچار تحصیلات حوزوی را متناسب با مدارک رایج استخدامی معادل‌سازی کرد و به جای اینکه جواب استعلامات را به صورت نامه اداری ارایه کند مدرکی به صورت معادل، به طلاب شاغل ارایه داد. این امر ادامه پیدا کرد تا شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرد که مدارک سطح یک و دو و سه و چهار حوزه‌های علمیه از اعتبار علمی و استخدامی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌ها برخوردار باشد. اکنون طلابی که به این مدارک نیاز دارند برای اخذ آن اقدام می‌کنند؛ البته طلاب فراوانی هم هستند که نیاز به این مدارک نداشته و اقدام به اخذ آن نکرده‌اند و از نظر علمی هم موفق هستند.

مدرک در لغت به معنای سند، دلیل و نشانه به کار رفته و وسیله‌ای برای اثبات یک حقیقت است. مدرک تحصیلی وسیله‌ای است که با آن میزان تحصیل، رشد، توانایی، دانش و مهارت افراد را ثابت می‌کنند و برخی از ابعاد پنهان شخصیت او را آشکار می‌سازند. استفاده از مدرک تحصیلی برای اثبات این ویژگی‌ها یک ضرورت در زندگی اجتماعی است. انسان‌ها در شبکه پیچیده روابط اجتماعی نیاز به ارتباط و هم‌کاری دارند و باید به صورت یک پیکره واحد عمل کنند. طبعاً برای اینکه از یک‌دیگر به صورت مناسبی بهره‌گیرند باید نسبت به هم شناخت کافی داشته و

ظرفیت‌ها، قوت‌ها، توان‌مندی‌ها و مهارت‌های همدیگر را از یک سو و نقاط ضعف و کاستی‌های شخصیتی هم را از سوی دیگر بشناسند تا همکاری‌های درست و مؤثری را میان خود تعریف کنند و از هرکس انتظار متناسبی داشته باشند. مدرک‌ها، عنوان‌ها، نشان‌ها و نمادها این ارتباط اجتماعی تسهیل کرده و موجب می‌شوند که معرفی افراد به یکدیگر در زمان کوتاه و با هزینه اندک حاصل شود.^۱

مدرک دو گونه است؛ مدرک رسمی و مدرک غیررسمی؛ مثلاً اعتبار حاصل از سابقه تألیف و تدریس و فعالیت‌های اجرایی یا فرهنگی نوعی مدرک غیررسمی است. مراجع عظام برائت سابقه تدریس و تألیف مورد اعتماد قرار گرفته و مرجعیت علمی و اجتماعی یافته‌اند.

امروزه برای اطلاع از توان‌مندی‌های افراد از رزومه یعنی شرح فعالیت‌های آنان بهره گرفته می‌شود. این رزومه شامل مقدار تحصیل افراد، نمرات پایانی آنان، سابقه تحقیق، تألیف، تبلیغ، فعالیت‌های فرهنگی، اجرایی و نیز عنوان پایان‌نامه‌ها و موضوع کتاب‌ها است که هر یک گویای بخشی از شخصیت افراد و نوعی مدرک غیررسمی است. طلبه باید اصالتاً به دنبال خدمت به دین باشد و تمام هم و غم خود را برای افزایش مهارت و دانش مرتبط با آن به کار گیرد؛ اما پس از به دست آوردن مهارت لازم و توانایی واقعی خدمت، لازم است در مقام اثبات نیز موجه شمرده شود؛ زیرا گاهی توانایی واقعی وجود دارد اما مقدمات ضروری دیگری که ارائه خدمت بدان وابسته است مفقود است. مثلاً کسی ممکن است هنرراندگی را آموخته و با تمرین فراوان مهارت کافی در آن به دست آورده باشد؛ اما به جهت نداشتن گواهی‌نامه، اجازه استفاده از این مهارت و میدان بهره‌گیری از این توانایی را نداشته باشد. بدین ترتیب ما گاهی وظیفه داریم خود را به جامعه بشناسانیم و آمادگی خود را برای انجام برخی از خدمات اجتماعی

۱. رک: عالم‌زاده نوری، لباس روحانیت چراها و بایدها، مقاله نماد.

اعلام داریم.^۱ بنابراین اگر به کسی گفته می‌شود که برای گرفتن گواهی‌نامه اقدام کند به این معنی است که برای کسب مهارت رانندگی اقدام کند نه اینکه تنها مدرک بدون حقیقت و پشتوانه‌ای فراهم آورد. از آنجا که تلاش برای گرفتن مدرک نوعاً با تلاش برای کسب مهارت ملازمه دارد این توصیه به جا است.

مدرک‌گرایی - مانند دنیاگرایی - به معنی اصالت قائل شدن برای مدرک و تلاش مستقل برای اخذ آن حتی بدون تحصیل مهارت‌ها و شرایط لازم است. داشتن مدرک هیچ افتخاری نیست. جز کودکان و نوآموزان کسی با داشتن گواهی‌نامه رانندگی، فخربردیگران نمی‌فروشد و احساس بزرگی نمی‌کند، بلکه این گواهی‌نامه را زمینه‌ای برای استفاده شخصی خود و خدمت به دیگران می‌داند. اگر طلبه به هدف خدمت به کاروان وحی و نصرت دین خدا جهاد علمی داشته و به توانمندی لازم دست یافته باشد، اخذ نشانی که دلالت بر این توانایی کند نه هیچ اشکالی دارد، و نه هیچ افتخاری به شمار می‌رود.

آیا بدون مدرک، خدمت به دین خدا امکان‌پذیر نیست؟ هرگز نمی‌توان چنین ادعایی کرد؛ اما بی‌واهمه می‌توان گفت که داشتن مدرک - اگر براساس حقیقتی باشد - گستره و تأثیر خدمت را افزایش می‌دهد و رنج برخی فعالیت‌های اثباتی زائد را از دوش ما برمی‌دارد. به بیان دیگر برخی از رسالت‌های طلبه بدون هیچ‌گونه مدرک تحصیلی قابل انجام است؛ ولی هرچه طلبه شناخته شده‌تر باشد و مخاطب بیشتری برای داشته باشد کارآمدی او بیشتر است. زیرا برخی از رسالت‌های بزرگ را

.....
 ۱. این معرفی باید به صورتی کاملاً وزین و متین صورت پذیرد و با تبلیغ کالاهای مصرفی یا خدمات صنعتی تفاوت دارد.

جز با داشتن اعتبار اجتماعی بالا نمی‌توان انجام داد.^۱

برخی از قوانین نظام آموزشی حوزه‌های علمیه

در ادامه به برخی از قوانین نظام آموزشی حوزه‌های علمیه اشاره می‌شود. در قوانین مورد اشاره در بیشتر موارد بین نظام آموزشی قدیم و جدید تفاوتی وجود ندارد و در موارد محدودی که تفاوت وجود دارد هر دو قانون درج شده است.

- نظام آموزشی در برنامه آموزشی حوزه‌های علمیه حضوری، نیم‌سال و درسی - ساعتی است.
- هر سال تحصیلی از دو نیم‌سال مستقل تشکیل شده و قبولی یا عدم قبولی در هر درس از هر نیم‌سال، به همان درس محدود می‌شود.
- در هر سال تحصیلی، علاوه بر دو نیم‌سال تحصیلی، برگزاری دوره تابستانی نیز مجاز می‌باشد.
- طول مدت در برنامه آموزشی جاری سطح یک (نظام قدیم) به‌طور معمول ۶ سال و طی ۱۲ نیم‌سال می‌باشد.

تبصره: کاهش سنوات تحصیل برای طلاب واجد شرایط براساس ضوابط مربوطه از طریق دوره‌های تابستانی یا ارتقایی و همچنین افزایش سنوات تحصیل با رعایت حداقل و حداکثر ساعات مجاز برای انتخاب درس، برای ورودی‌های سیکل،

۱. از آنجا که نقش و کارکرد اجتماعی حوزویان با دانشگاهیان متفاوت است، مدرک آنان نیز متفاوت است. اگر دانشگاهیان بعد از چهار سال مدرکی دریافت می‌کنند و حوزویان پس از نه سال همان مدرک را می‌گیرند، به جهت آن است که حوزوی مسئولیت دشوارتری بر دوش دارد و برای انجام آن نیاز به آموزش بیشتر و فعالیت فراوان‌تری دارد. برای تبیین این موضوع به مقایسه‌ای میان چند نقش اجتماعی می‌پردازیم. ایفای هر نقش اجتماعی نیاز به کسب آمادگی و آموزشی به تناسب اهمیت خود دارد. برای انجام برخی از مشاغل خدماتی مانند رفتگری دو ساعت آموزش کافی است، برای برخی دیگر مانند منشی‌گری دو هفته آموزش نیاز است، به همین ترتیب پرستاری، دو سال، پزشکی، هفت سال و جراحی قلب دوازده سال آموزش نیاز دارد؛ یعنی کارشناس شدن در هر کاری به تناسب سهولت و دشواری آن و گستره و ابعاد آن متفاوت است.

حداکثر تا ۱۶ نیم‌سال بلامانع است.

- طول دوره تحصیل به طور متوسط برای ورودی‌های سیکل ۱۲ نیم‌سال و برای ورودی‌های دیپلم و دانشگاهی، ۱۰ نیم‌سال است (نظام جدید).
- تبصره: کاهش سنوات تحصیل برای طلاب واجد شرایط براساس ضوابط مربوطه از طریق دوره‌های تابستانی یا ارتقای و همچنین افزایش سنوات تحصیل با رعایت حداقل و حداکثر ساعات مجاز برای انتخاب درس، برای ورودی‌های سیکل، حداکثر تا ۱۶ نیم‌سال و برای ورودی‌های دیپلم و دانشگاه حداکثر تا ۱۴ نیم‌سال بلامانع است.
- مدارس علمیه، دوره‌های تابستان را پس از اخذ مجوز از شورای آموزش استان و طبق ضوابط و شرایط ابلاغی معاونت آموزش ستاد برگزاری می‌کنند.
- تقویم تحصیلی مدارس در هر سال تحصیلی (شامل ایام درسی، ایام امتحانی و دوره تابستانی) پس از تأیید مدیریت حوزه علمیه استان طبق ضوابط ابلاغی معاونت آموزش ستاد لازم‌الاجرا می‌باشد.
- طلبه متعهد است در زمان تحصیل در سطح یک به صورت تمام وقت و حضوری در تمامی برنامه‌های درسی و غیردرسی مدرسه شرکت نماید.
- طلبه تا پیش از تکمیل سطح دو نمی‌تواند همزمان در مراکز غیرحوزوی تحصیل کند.
- تبصره: هرگونه تحصیل همزمان پس از تکمیل سطح ۲ و صرفاً براساس ضوابط و آیین‌نامه مربوطه، امکان‌پذیر می‌باشد.
- ارائه درس مصوب برنامه آموزشی جدید و رعایت منابع آموزشی آن‌ها و همچنین برنامه‌ریزی دروس براساس آنها ضروری می‌باشد.
- مدت زمان مجاز تحصیل در حوزه‌های علمیه گذراندن ۱۵۰۰ ساعت درس در حداقل یک سال و حداکثر ۳ سال تحصیلی طبق ضوابط بوده و محاسبه رشد تحصیلی

- طلاب براساس مقدار ساعت مذکور می باشد (نظام قدیم).
- طلاب ورودی مقطع سیکل موظف به گذراندن حداقل ۱۵۰۰ ساعت درس در هر شش نیم سال و طلاب ورودی دیپلم و دانشگاهی موظف به گذراندن حداقل ۱۲۴۰ ساعت درس در هر پنج نیم سال هستند (نظام جدید).

مهارت‌های مورد نیاز در طلبگی

پیش از آنکه مهارت‌های مورد نیاز در طلبگی را فهرست کنیم لازم است اندکی درباره اصل مهارت‌های انسان و موضوع مهارت‌آموزی سخنی داشته باشیم.

اهمیت مهارت‌ها و انواع آن

انسان قابلیت دارد به مرور زمان، توانایی‌های مختلفی کسب کند. این توانمندی‌های نفس را «مهارت» نامیده‌اند. هر مهارت صفتی برای انسان است که با اراده و اختیار و بر اثر تکرار عمل، در طی زمان، پدید آمده و پس از پیدایش، انجام عمل را سرعت و سهولت می‌بخشد.

مهارت‌ها را به چند گروه می‌توان تقسیم نمود:

۱. مهارت‌های جسمی مانند: انواع ورزش‌ها؛
۲. مهارت‌های ذهنی مانند: تمرکز، دقت، یادسپاری، یادآوری، سرعت انتقال، قدرت تجزیه و تحلیل و نقادی؛
۳. مهارت‌های روحی و روانی مانند: انواع ملکات اخلاقی و صفات شخصیتی؛
۴. مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی؛
۵. مهارت‌های مرکب مانند: اکثر هنرها و حرفه‌ها.

هر مهارت به منزله یک ابزار مفید و مؤثر در اختیار انسان است که از به کارگیری آن با صرف توان کم، در زمانی کوتاه، بهره‌ای شایسته به دست می‌آید؛ مثلاً اگر برای کندن یک گودال کوچک با انگشتان دست، یک ساعت وقت نیاز باشد، با داشتن

یک بیل در کمتر از یک ساعت می‌توان به سهولت و با به کارگیری تلاشی محدود، گودالی به مراتب، بزرگ‌تر فراهم آورد. هر چه این ابزار کارآتر و پیشرفته‌تر باشد، صرفه‌جویی بیشتر در زمان و توان می‌شود و بازده بالاتری به دست می‌آید. کسی که یک بلدوزر در اختیار دارد در زمانی کوتاه و با نیروی کم، کاری انجام می‌دهد که دیگران از انجام آن در روزهای متمادی و با به کارگیری تلاشی گسترده عاجزند. نوشتن یک صفحه مطلب برای کودک مبتدی، نیازمند صرف توان جسمی و فکری زیاد و زمانی دراز است. محصول کار او هم ارزش چندانی ندارد؛ اما کسی که مهارت خوش‌نویسی و خطاطی را فرا گرفته است با صرف زمان محدود، نیروی اندک و توجه کم، تابلویی ارزشمند و نفیس می‌آفریند. به همین ترتیب نوشتن یک مقاله برای نوجوان تازه‌کار در مقایسه با نویسنده‌ای زبردست.

بنابراین کاری که در ابتدا دشوار، پرزحمت و یانشدنی به نظر می‌رسد همیشه این‌گونه باقی نخواهد ماند و به مرور زمان سهل و روان و امکان‌پذیر می‌گردد. «سرعت»، «سهولت»، «کیفیت» و «وسعت» دست‌آوردهای پرارزش و مبارک مهارت‌آموزی است که هر انسان خردمند هدف‌دار را به تحصیل آن دعوت و تشویق می‌کند و توجه ما را بیش از آن که به انجام عمل و رسیدن به نتیجه معطوف دارد به کیفیت عمل و کسب توانایی انجام آن سوق می‌دهد. ضرب‌المثل «به جای ماهی دادن، به او ماهی‌گیری بیاموز» اشاره به همین نکته مهم دارد.

البته محدودیت عمر انسان به او اجازه به دست آوردن همه مهارت‌ها را نمی‌دهد. از این رو شایسته است اهمیت مهارت‌ها، شناسایی و سرمایه‌گران‌قدر عمر به توانمندی‌های ضروری و مفید اختصاص یابد.^۱

۱. ر.ک: عالم‌زاده نوری، به کجا و چگونه، فصل دوم.

مهارت‌آموزی

۱. آموختن مهارت‌ها برای انسان در هر سن و سالی امکان‌پذیر است؛ اما در جوانی بسیار آسان‌تر و دست‌یافتنی‌تر است.

۲. پیدایش مهارت محتاج زمان و تدریجی است و هیچ صفتی یکباره در وجود آدمی پدید نمی‌آید. همان‌گونه که رشد جسمی انسان نیازمند سال‌های زیادی است و یک‌شبه صورت نمی‌پذیرد، رشد فکری و تعالی روحی او هم یک‌شبه و دفعی انجام‌پذیر نیست. برنامه‌ریزی‌های شتابزده، جز شکست و سرخوردگی و ناامیدی ارمغانی ندارد و نتیجه‌ای نمی‌دهد.

۳. پیدایش مهارت بر اثر تکرار عمل است. برای به دست آوردن مهارت خوش‌نویسی باید بسیار نوشت، برای کسب مهارت رانندگی باید رانندگی کرد. تکرار زیاد یک عمل، آن عمل را با تار و پود وجود ما آشنا می‌گرداند و منتهی به ایجاد مهارت می‌شود. «کار نیکو کردن از پرکردن است». کسی که می‌خواهد به هنر، حرفه، مهارت یا صفتی دست یابد، باید پیایی مصادیق آن را تجربه کند، برای کسب صفت شجاعت، هنر تندخوانی یا مهارت سخنوری تنها آرزو یا دعا کردن کافی نیست، اقدام عملی متعدد شرط ضروری تحصیل این توانمندی‌ها است. هر بار که عملی را تجربه می‌کنیم یک قدم به مهارت آن، نزدیک می‌شویم. از تراکم این تجربه‌ها و اقدام‌ها مهارت متولد می‌شود. یک عمل هرگاه به ده‌ها عمل مشابه خود ضمیمه شود توانمندی ثابتی ایجاد می‌کند، همان‌گونه که یک آجر هرگاه به ده‌ها مشابه خود بپیوندد بنای کاملی پدید می‌آورد. بدین ترتیب انجام هر عمل سهم کوچکی در توانمند نمودن ما دارد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

مَنْ يَعْمَلْ يَزِدَّ قُوَّةً وَ مَنْ يَقْصِرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدَّ فَتْرَةً؛

هرکس عمل کند نیرویش افزایش می‌یابد و هرکس در عمل کوتاهی ورزد، سستی و ناتوانی‌اش بیشتر می‌شود.

به طور کلی هر یک از قوای انسان که به کار گرفته شود و به فعالیت درآید تقویت می‌شود و هر یک معطل و بی‌کار باشد ضعیف و سست، باقی می‌ماند. ماهیچه‌های بدن انسان تنها هنگامی که به حرکت و فعالیت گرفته شود، ورزیده می‌گردد. تقویت حافظه، قوای ذهنی و قدرت اراده نیز در گرو به کار انداختن و استفاده کردن از حافظه، ذهن و اراده است. خلاصه آن که مهارت با «انجام عمل» پدید می‌آید و همچنان راسخ و پایدار می‌شود، تا آنجا که صورتی غیر قابل تغییر به خمیرمایه نفس می‌بخشد.

۴. گرچه هر عمل به نوعی در پیدایش مهارت نقش دارد، اما تأثیر آن معمولاً به چشم نمی‌آید و احساس نمی‌شود. اگر برای پیدایش مهارت خوش نویسی نوشتن هزار صفحه لازم باشد، هر صفحه تنها یک هزارم مسیر را طی می‌کند و لذا پس از نوشتن یک صفحه تغییر قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. مسافری که قصد زیارت حرم امام هشتم علیه السلام را دارد اگر تنها یک قدم پیش رود، نزدیک شدن خود به مشهد مقدس را مشاهده نمی‌کند، اما به هر صورت، واقعاً نزدیک شده است.

۵. دوران مهارت‌آموزی بر انسان سخت می‌گذرد؛ زیرا کسی که واجد مهارت نیست توان بسیاری به کار می‌گیرد، توجه و تمرکز فراوانی هزینه می‌کند، زمان قابل توجهی معطل می‌شود اما محصول چندانی به چنگ نمی‌آورد. این مجموعه کافی است تا انسان ضعیف را به ستوه آورد و از زیر بار سنگین عمل و تمرین بیرون کشد.

۶. پس از پیدایش یک مهارت، علاوه بر سهولت انجام کار، انسان از به کارگیری

توانمندی خود لذت می‌برد، زیرا محصول ارزش‌مندی که با تلاش اندک و در زمان کوتاه به دست آمده او و دیگران را به اعجاب می‌آورد و چون مسیر کوتاهی برای رسیدن به مطلوب در پیش دارد شوق و انگیزه بیشتری برای عمل در خود می‌یابد از این رو بسیار مشتاق است مهارت خود را تجربه کند و یا با دیگران به مسابقه نشیند.

۷. غالباً آغاز حرکت برای کسب یک مهارت با ناکامی و شکست‌هایی همراه است. اشتباه و تجربه ناموفق در ابتدای مسیر امری کاملاً طبیعی و قابل پیش‌بینی است. کودکی که مهارت راه رفتن را تمرین می‌کند - تا تسلط کامل بر این توانایی - افت و خیزهایی در پیش دارد، شناگر تازه‌کار هر چه تلاش و دقت کند، جرعه‌هایی از آب خواهد نوشید.

۸. هر چه مراحل مهارت‌آموزی با توجه و دقت بیشتری انجام پذیرد، سهم بیشتری در پیدایش آن مهارت دارد؛ مثلاً صفحاتی که با نشاط و حوصله نوشته می‌شود در ایجاد هنر خوش‌نویسی یا تسلط بر نویسندگی تأثیر افزون‌تری دارد و قدم بزرگ‌تری محسوب می‌شود.

به همین جهت کسانی که در همه اعمال و رفتار خود دقت و تأمل به خرج می‌دهند، گرچه به ظاهر سرعت عمل کمتری دارند و دیرتر به نتیجه می‌رسند اما پس از به دست آوردن توانمندی‌های مختلف، به سرعت از همراهان خود پیشی می‌گیرند.

قال رسول الله ﷺ: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ وَقَالَ: إِذَا عَمِلَ أَحْكَمَ فَلَيتقن!**

خداوند بنده‌ای را دوست دارد که هر گاه کاری انجام می‌دهد آنرا استوار و محکم سازد و نیز فرمود: هر گاه کسی از شما کاری می‌کند باید آنرا شایسته و متقن انجام دهد.

با گسترش توانمندی‌ها، به مرور «به دست آوردن مهارت‌های جدید» و انس گرفتن با فضاهاى تازه نیز برای انسان آسان می‌شود.

۹. تفکر و برنامه‌ریزی، مهارت‌آموزی را بهبود می‌بخشد. آگاهی از فرمول‌های حاکم بر آن توانمندی، استفاده از تجربه دیگران، مشاوره و داشتن استاد، مدت زمان تحصیل مهارت را کوتاه می‌کند و افت و خیزها و اشتباهات را به کمترین مقدار کاهش می‌دهد.

۱۰. طی تمام مراحل مهارت‌آموزی - بدون استثنا - برعهده خود انسان است و انسان تنها با اراده و اختیار و تلاش خود به ملکه نزدیک می‌شود. استاد، نیرویی در وجود شاگرد ایجاد نمی‌کند و باری از دوش او بر نمی‌دارد. تحمیل و اجبار استاد هم اگر انگیزه بخش نباشد، فایده‌ای ندارد، زیرا عملی که تنها به قصد رفع تکلیف و با حداقل توجه و عنایت انجام می‌شود تأثیر بسیار کمی در جان دارد. برای درک این نکته به مراحل تکوین ملکه خوش‌نویسی یا نویسندگی دقت کنیم. تا هنگامی که قواعد خوش‌نویسی یا نویسندگی توسط شخص، با رغبت و دقت به کار گرفته نشود، تلاش استاد به نتیجه‌ای نمی‌انجامد، استاد فقط راهی را که انسان باید با پای خویش بی‌یامد به خوبی به او نشان می‌دهد اما پیمودن آن را نمی‌تواند برعهده بگیرد و ضمانت کند. و در یک کلام استاد تنها «راهنما» است و نه «راهبر».

طبیعی است هر فرد پس از تجربه عملی و تلاش شخصی، کاستی‌ها و ناتوانی‌های خود را با وضوح بیشتری می‌بیند و زمینه بهره‌گیری افزون‌تر از استاد برایش فراهم می‌گردد. پیوند اکید میان «علم» و «عمل» در مجموعه معارف دینی ناظر به همین واقعیت است.^۱

۱۱. پس از تشکیل مهارت در وجود انسان، به‌کارگیری آن و بهره‌مندی از آثار و فواید آن

۱. رک: میزان الحکمه ذیل عنوان «علم».

نیز به اختیار انسان است. ممکن است کسی مهارت خوش نویسی داشته باشد ولی از آن استفاده نکند و بدخط بنویسد. خوش نویسی گرچه برای هنرمند خطاط آسان است اما به اندازه خود، توان و همتی می‌طلبد. اگر هنرمند خوش نویس از صرف همین توان اندک دریغ ورزد، مهارت خود را معطل و بی‌فایده واگذاشته است و اگر در نوشتن تابلوها بی‌دقتی و کم‌حوصلگی نماید بعید نیست که در گذر زمان و با تکرار عمل، بی‌دقتی و شتاب‌زدگی در وجود او به صورت عادت درآید. به کارگیری مداوم توانمندی‌ها علاوه بر بهره‌مندی از نتایج کار، ملکه‌پرکاری، سخت‌کوشی، فعالیت، استقامت و نشاط را در وجود آدمی ایجاد می‌کند و سستی، کاهلی، تنبلی و کسالت را از بین می‌برد.

۱۲. تا قبل از پیدایش کامل یک مهارت، تمرین و تلاش باید استمرار داشته باشد و اگر در نیمه راه قطع شود، رشد آن متوقف می‌گردد.^۱

قَالَ الْبَاقِرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ؛^۲

محبوب‌ترین عمل در نزد خدای متعال، عملی است که بر آن مداومت شود گرچه اندک باشد.

مهارت‌های طلبگی

از آنجا که مسئولیت طلبگی بسیار سنگین است، مهارت‌های مورد نیاز طلبه نیز بسیار زیاد است. با توجه به اینکه رسالت‌های حوزویان عبارت است از: تحصیل دین، تحقیق در دین، تبلیغ دین، تربیت دینی و جامعه‌سازی اسلامی، بنابراین طلبه علاوه بر مهارت‌های عمومی فردی، باید در مسیر طلبگی مهارت‌های دیگری را نیز به دست آورد؛ از جمله: مهارت‌های تحصیلی، مهارت‌های پژوهشی، مهارت‌های تبلیغی،

۱. رک: عالم‌زاده نوری، به کجا و چگونه، فصل دوم.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۲.

مهارت‌های تربیتی، مهارت‌های مدیریتی و اجرایی.

برخی از مهارت‌های تحصیلی عبارت‌اند از:

برنامه‌ریزی تحصیلی، مطالعه موفق و تندخوانی، تمرکز، مباحثه، مهارت‌های نوشتاری مانند: خوش‌نویسی، تندنویسی، تایپ، آشنایی با رایانه و برخی از برنامه‌ها و نرم‌افزارهای پرکاربرد، روان‌نویسی، رسا و ساده و شیوانویسی، مختصرنویسی، صورت‌جلسه‌نویسی، تسهیل متن (یعنی علامت‌گذاری درون متن، نمایه‌زنی، تقسیم‌بندی مطالب و شماره‌گذاری، ذکر منابع و مصادر، رنگ‌آمیزی با مازیک فسفری، مشخص کردن مطالب مهم و ...)، خلاصه‌نویسی (به روش‌های متعدد مانند متنی، نموداردرختی و نمودار هسته‌ای)، ویرایش، تعلیقه‌نویسی (اظهاری نظر نسبت به یک متن)، تقریرنویسی، شرح‌نگاری، فیش‌برداری، بایگانی، نویسندگی (مقاله‌نویسی، داستان‌نویسی، تألیف و ...).

برخی از مهارت‌های پژوهشی عبارت‌اند از:

مهارت انتخاب موضوع، یادداشت‌برداری، نقد، ایده‌پردازی، دسته‌بندی و تدوین، آشنایی با برنامه‌ها و نرم‌افزارهای پژوهشی.

برخی از مهارت‌های تبلیغی نیز عبارت‌اند از:

خطابه و سخنرانی، تدریس و کلاس‌داری، مرثیه‌خوانی و مداحی، قرائت و ترتیل‌خوانی قرآن، مناظره، پاسخ‌گویی، مخاطب‌شناسی، آشنایی با زبان‌های خارجی، مشاوره و راهنمایی، مهارت‌های فعالیت در فضای مجازی و ...

از مهارت‌های عمومی نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد:

برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، آینده‌نگری و پیش‌بینی، مدیریت زمان، تفکر انتقادی، تمرکز، ارتباط مؤثر اجتماعی، کار گروهی، فعالیت تشکیلاتی، امداد و کمک‌های اولیه، فنون ورزشی، دفاعی و نظامی، رانندگی، خلاقیت، امر به معروف و نهی از منکر و آراستگی.

مهارت علمی در علوم کاربردی

علمی که در سال‌های آغازین حوزه آموزش داده می‌شود بیشتر علمی کاربردی است که برای علوم بعدی مقدمه و ابزار محسوب می‌شود. صرف، نحو، منطق و اصول از این علوم ابزاری و کاربردی هستند. تحصیل این علوم دو مرحله دارد. مرحله نخست مرحله فراگیری و آموختن کلیات، و مرحله دوم مرحله کاربرد و تطبیق.

در مرحله نخست، قواعد آن علم توسط استاد به کمک متن آموزشی ارایه می‌گردد و هدف نهایی از آن فهم این قواعد کلی است. مرحله دوم، مرحله تطبیق و کاربرد است؛ در این مرحله بیشترین فعالیت بردوش طلبه است؛ زیرا فهم قاعده الزاما به معنای قدرت کاربرد و تطبیق آن نیست؛ یعنی پس از درک کامل قاعده، باید آن را تمرین کرد و در مصداقیش به کار گرفت. این مهارت، چیزی علاوه بر حفظ قواعد کلی است.

نظیر این که فهم کامل قواعد رانندگی و کسب نمره قبولی در آزمون کتبی آن به معنای فراگیری رانندگی نیست؛ فراگیری مهارت رانندگی علاوه بر آن، تمرین و تسلط عملی و کاربردی نیاز دارد.

بنابراین شایسته است برای موفقیت در فراگیری این علوم، به تمرین، تطبیق و کاربرد نیز اهمیت داده شود. برای این منظور از کتاب‌های تمرینی با نظر و مشورت اساتید خود بهره گیرید.

سفیران هدایت

تعریف

مجموعه آموزشی سفیران هدایت به منظور «تربیت مبلغ جهت نشر احکام و معارف اسلامی در سطح عموم برای مناطق مورد نیاز» طراحی شده است. در این مجموعه آموزشی، طلاب با مبانی اعتقادی، ادبیات عرب، منطق، فقه، اصول و اخلاق اسلامی، به منظور تبلیغ در مناطق مورد نیاز و مناطق کمتر توسعه یافته فرهنگی آشنا و صلاحیت‌های اخلاقی و توانایی‌های علمی و مهارتی لازم را کسب می‌کنند.

اهداف کلی

۱. ارتقای معرفت و ایمان اسلامی و روحیه محبت و ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل

بیت علیهم السلام؛

۲. آشنایی با هویت حوزه و روحانیت و تخلق و تأدب به اخلاق و آداب اسلامی و

زئ طلبگی؛

۳. شناخت صرف و نحو، تجوید، منطق، فقه و اصول فقه و مهارت به کارگیری آن‌ها؛

۴. شناخت معارف و عقائد، اخلاق اسلامی، احکام و تاریخ اسلامی و اهل بیت

علیهم السلام؛

۵. آشنایی با علوم قرآنی، علم لغت، علوم حدیث، بلاغت، حکمت اسلامی، تفسیر

و تاریخ انقلاب اسلامی؛

۶. ایجاد توان تبلیغ و دفاع علمی از اسلام، مکتب اهل بیت علیهم السلام و نظام اسلامی؛

۷. ایجاد آمادگی جهت مدیریت مساجد و کانون‌های فرهنگی؛

۸. ایجاد و تقویت مهارت‌های عمومی تبلیغ، تدریس، پژوهش و پاسخ‌گویی به

پرسش‌های دینی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین.

سیاست‌ها

۱. اهتمام به رشد اعتقادی و اخلاقی طلاب؛
۲. اهتمام به برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ در ابعاد شناختی، مهارتی و نگرشی، با محوریت قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام؛
۳. اهتمام به کاربردی کردن آموزش و آموزه‌های تربیتی؛
۴. اهتمام به سنت‌های حسنه حوزوی در تعلیم، تهذیب، تحقیق و تبلیغ؛
۵. اهتمام به معرفی عالمان ربانی، به عنوان الگو در حیات علمی و معنوی و ارتباط مؤثر با بزرگان و فضلا؛
۶. توجه به نیاز جامعه و نظام اسلامی؛
۷. تأکید بر بهره‌گیری از مهارت‌ها، روش‌ها و ابزارهای کارآمد آموزشی و تبلیغی؛
۸. تأکید بر شناسایی طلاب مستعد و هدایت و حمایت از آن‌ها؛
۹. تأکید بر بهره‌مندی از اساتید، مدیران و کارکنان متدین، مهذب، منظم، خلاق و فعال؛
۱۰. توجه به سلامت جسمی و نشاط و شادابی طلاب.

شرایط داوطلبان ورود به مدارس سفیران هدایت

داوطلبان مدارس سفیران هدایت با مدرک دیپلم و از طریق آزمون سراسری حوزه‌های علمیه و پس از قبولی در مصاحبه و تحقیقات محلی و گذراندن دوره میثاق پذیرفته شوند. این افراد به تحصیل علوم حوزوی مانند: صرف، نحو، منطق، بلاغت، فقه و اصول پرداخته و در مباحثی مانند: تفسیر قرآن کریم، نهج البلاغه، تاریخ و سیره معصومین علیهم السلام، کلام اسلامی و شبهات، شناخت ادیان و فرق و شیوه‌های مختلف تبلیغی در حدّ نیاز یک مبلغ دینی آموزش می‌بینند.

در نتیجه فارغ التحصیلان این مجموعه آموزشی، توانایی‌های ذیل را کسب می‌کنند:

- مدیریت مساجد و امامت جماعت؛
- بیان مسائل شرعی؛
- موعظه و تبلیغ با توجه به نیازهای منطقه ای؛
- اداره جلسات مولید و عزاداری معصومین علیهم‌السلام؛
- برگزاری جلسات آموزش و قرائت قرآن؛
- اداره کلاس‌های دینی و عربی مدارس آموزش و پرورش؛
- راهنمایی و هدایت جوانان و نوجوانان در امور دینی؛
- انجام وظایف اجتماعی مربوط به روحانیون.

برخی از ویژگی‌های آموزشی سفیران هدایت

مجموعه آموزشی «سفیران هدایت» ضمن پاسداری از ارزش‌های حاکم بر حوزه، دارای ویژگی‌های می‌باشد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

جامعیت و کاربردی بودن آموزش‌ها

در نظام آموزشی «سفیران هدایت»، اضافه بر دروس پایه‌ای - که جنبه ابزاری دارد - قسمت عمده‌ای از آموزش‌ها حاوی مطالبی است که قابل عرضه به اجتماع می‌باشد و دانش‌آموختگان را از جامعیت نسبی در علوم مورد نیاز برخوردار می‌سازد.

علم محوری

برای هریک از دروس، سرفصل مباحثی که باید در ساعات تدریس بیان شود مدوّن گردیده، متن آموزشی براساس همان سرفصل‌ها تعیین می‌گردد و چنانچه بعدها متن بهتری نگارش یابد، با تصویب گروه علمی مربوطه، متن آموزشی تغییر می‌کند. از این رو آموزش‌ها براساس دانش و علم استوار است، نه آنکه متن خاصی محور باشد و از جایگزینی متون مناسب‌تر ممانعت کند.

اهتمام به پژوهش و تحقیق

طلاب پس از فراگیری روش تحقیق در سال اول تحصیل، حداقل یک تحقیق در هر سال پیرامون یکی از موضوعات درسی که استاد آن را تعیین می‌کند، انجام می‌دهند. دقت در پژوهش و نوآوری و نظارت بر این امر، از دیگر ویژگی‌های «سفیران هدایت» است.

روش‌شناسی

در نظام آموزشی سفیران هدایت به شناخت روش‌ها در زمینه سخنرانی، کلاس‌داری، تحقیق، تحلیل مسایل سیاسی، مشاوره و راهنمایی و... توجه ویژه‌ای شده است تا طلاب بتوانند با استفاده از این روش‌ها، نقش بهتری را در جامعه ایفا کنند.

کسب مهارت‌ها

توانایی شخص در به‌کارگیری آموزش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای رسیدن به این امر، بعضی از درس‌ها هم به صورت نظری و هم به صورت عملی ارائه می‌شود، به گونه‌ای که توانایی عملی طلاب همانند فراگیری نظری آنها در گذراندن درس نقش دارد. همچنین، جهت دستیابی به مهارت تبلیغی، طلاب در مدت سه سال به صورت روشمند هر هفته در گروه‌های مهارتی خطابی شرکت کرده و تمرین‌های از پیش تعیین شده‌ای را انجام می‌دهند.

برخی از قوانین نظام آموزشی سفیران هدایت

• نظام آموزشی در برنامه آموزشی سفیران هدایت در مقطع سطح دو حضوری، نیم‌سال و درسی ساعتی است.

• هر سال تحصیلی از دو نیم‌سال مستقل تشکیل شده و قبولی یا عدم قبولی در هر درس از هر نیم‌سال، به همان درس محدود می‌شود.

• در هر سال تحصیلی، علاوه بر دو نیم‌سال تحصیلی، برگزاری دوره تابستانی نیز مجاز می‌باشد.

تبصره ۱: برگزاری دوره آموزشی تابستانی در برنامه آموزشی سفیران هدایت به شرط فراهم آمدن انجام فعالیت‌های تبلیغی، بلامانع می‌باشد.

تبصره ۲: این دوره به صورت حضوری و با رعایت سقف ساعات مصوب درسی اجرا می‌شود و طلابی که دارای پرونده فعال تحصیلی هستند، مجاز به شرکت در آن می‌باشند.

• مدارس علمیه می‌توانند دوره‌های تابستانی را پس از اخذ مجوز از شورای آموزش استان و طبق ضوابط و شرایط ابلاغی معاونت آموزش ستاد برگزار کنند.

• طول مدت تحصیل در سطح دو سفیران هدایت به طور معمول ۱۰ نیم‌سال و حداکثر تا ۱۴ نیم‌سال تحصیلی است.

تبصره: کاهش سنوات تحصیل برای طلاب واجد شرایط براساس ضوابط مربوطه از طریق دوره‌های تابستانی یا اخذ درس مازاد یا استفاده حداکثری از تقویم آموزشی و همچنین افزایش سنوات تحصیل با رعایت حداقل و حداکثر ساعات مجاز برای انتخاب درس بلامانع می‌باشد.

• تقویم تحصیلی مدارس در هر سال تحصیلی (شامل ایام درسی، ایام امتحانی و دوره تابستانی) پس از تصویب در شورای مدرسه و تأیید مدیریت حوزه علمیه استان

طبق ضوابط ابلاغی معاونت آموزش ستاد لازم الاجرا می باشد.

• طلبه متعهد است در زمان تحصیل در سطح دو سفیران هدایت به صورت تمام وقت و حضوری در تمام برنامه های درسی و غیردرسی مدرسه شرکت نموده و در اختیار مدرسه باشد.

• تحصیل همزمان طلاب سطح دو سفیران هدایت تا پیش از تکمیل مقطع مذکور در مراکز غیرحوزوی مجاز نمی باشد.

تبصره: هرگونه تحصیل همزمان پس از تکمیل سطح دو سفیران هدایت صرفاً براساس ضوابط و آیین نامه مربوطه و به شرط عدم تنافی با فعالیت های تبلیغی، امکان پذیر می باشد.

• ارائه دروس مصوب برنامه آموزشی سفیران هدایت و رعایت منابع آموزشی آن ها و همچنین برنامه ریزی دروس براساس آن ها ضروری می باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ۱. ابراهیم زاده، عیسی؛ فلسفه تربیت (فلسفه آموزش و پرورش)؛ قم: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲.
- ۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- ۳. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، دانش نامه جهان اسلام؛ بی جا، بی تا.
- ۴. تیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۵. ثریا، سید مهدی؛ روش بحث و مذاکره؛ تهران: رشد، ۱۳۹۰.
- ۶. جعفری، علی؛ صدر شهادت (ویژه نامه شهادت آیت الله محمد باقر صدر)؛ قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.
- ۷. خمینی ره، روح الله؛ جهاد اکبر؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام ره، ۱۳۷۳.
- ۸. دفتر برنامه ریزی تربیتی؛ نظام نامه تربیتی؛ قم: جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، ۱۳۸۸.
- ۹. شیخ حرعاملی؛ محمد؛ وسایل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۰. عالم زاده نوری، محمد و دیگران؛ نقش مربی در تربیت اخلاقی معنوی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
- ۱۱. عالم زاده نوری، محمد؛ به کجا و چگونه؛ قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی ره، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۲. عالم زاده نوری، محمد؛ راه و رسم طلبگی؛ قم: انتشارات مؤسسه ولاء منتظر، ۱۳۹۱.
- ۱۳. عالم زاده نوری، محمد؛ لباس روحانیت چراها و بایدها؛ قم: مؤسسه امام خمینی ره، ۱۳۸۸.
- ۱۴. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
- ۱۶. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۷. محدث نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

۱۸. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۱۹. مشکینی، علی؛ تحریرالمواعظ العددیه؛ قم: الهادی، ۱۴۲۴ ق.
۲۰. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ قم: انتشارات صدرا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ اخلاق در قرآن؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۹.
۲۲. پایگاه اطلاع رسانی مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، بخش زی طلبگی، ۱۳۸۸/۱۲/۸: <http://fa.tabrizi.org>